

# حرف

CINEMAVERITE

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران شماره ۸. یکشنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival No.8, Sun, 20<sup>th</sup>, Dec 2015



مستندسازان جوان  
پیشرفت کرده‌اند  
گفت‌وگو با نرگس آبیاری



اسامی برگزیدگان نهمین جشنواره بین المللی «سینما حقیقت» اعلام شد

## به امید دهمین «حقیقت»

روزگار پر حرفی در سینما گذشته است  
اکبر عالمی از آینده  
سینمای مستند می‌گوید

۱۲

روایت فتح

پرونده‌ای درباره جایزه شهید آوینی  
+ گفت‌وگو با عبدالحسین برزیده

۷

زوم  
ZOOM



# اسامی برنده‌های جایزه مسابقه‌های ملی، هنر و تجربه، بین‌الملل و شهید آوینی

و بررسی فیلم‌های مسند راه یافته به همه‌ی بخش‌ها، فیلم‌های مسند زیر را به عنوان برگزیدگان نهمین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی «سینما حقیقت» اعلام و معرفی کردند:

به گزارش روابط عمومی جشنواره‌ی بین‌المللی «سینما حقیقت» اسامی برگزیدگان جایزه‌های بخش‌های مختلف جشنواره اعلام شدند. هیات داوران بخش‌های مختلف جشنواره پس از بازیابی

## فیلم برگزیده گروه هنر و تجربه

«لقدمان خالدي» کارگردان فیلم «فصل هرس»  
تندیس «هنر و تجربه» و مبلغ ۸ میلیون تومان

## برگزیدگان ششمین جایزه بین‌المللی شهید آوینی

### بخش مستند کوتاه:

«اصغر بختیاری» کارگردان فیلم «نشانی»  
دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

### بخش مستند نیمه بلند

«محسن اسلامزاده» کارگردان «تنها میان طالبان»  
تندیس شهید آوینی، دیپلم افتخار و مبلغ ۸ میلیون تومان

«داریا لیبیکو» کارگردان فیلم «وضعیت ذهن» از کشور لهستان  
تندیس شهید آوینی، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

«محمدعلی رخشانی» کارگردان فیلم «نسل سوم»  
دیپلم افتخار

### بخش مستند بلند

«مهدی قربان پور» کارگردان فیلم «زمناکو»  
تندیس شهید آوینی، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲ میلیون تومان

«ماجد نیسی» کارگردان فیلم «پرچم سیاه»  
دیپلم افتخار

«بهرز نورانی پور» کارگردان فیلم «A157»  
دیپلم افتخار

### بهترین فیلم

«مهدی جعفری» تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «نام و نشان»  
تندیس شهید آوینی، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲ میلیون تومان  
(جایزه نقدی توسط شبکه مستند سیما پرداخت می‌شود)

## مسابقه ملی

### مستند کوتاه

«هایده مرادی» کارگردان فیلم «قارلی داملار»  
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۸ میلیون تومان

«حمید جعفری» کارگردان فیلم «برد»  
دیپلم افتخار و جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی «فیلم‌نت»

### مستند نیمه بلند

«حجت طاهری» کارگردان فیلم «زندگی در خور موسی»  
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰ میلیون تومان

«امیرحسین نوروزی» کارگردان فیلم «پل»  
دیپلم افتخار و جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی «فیلم‌نت»



نهمین جشنواره‌ی «سینما حقیقت» به پایان رسید؛ جشنواره‌ی پررونق باکلی کارگاه و نشست مفید، با رونمایی از چهار کتاب کاربردی، با نمایش‌های گرم و مهمانان متنوع و متفاوت و با چندین فیلم خوب و چند اثر درخشان و البته تاثیرگذار. مطمئنم مستندسازان و دوستداران سینمای مستند از این هفت روز بهره‌ی فراوان برده‌اند. تعداد قابل‌ذکری فیلم مؤثر و جذاب ایرانی و غیرایرانی دیده‌اند، با آن‌ها به گوشه‌های مختلف جهان سفر کرده‌اند، با برخی ناهنجاری‌های اطراف خودشان آشنا شده‌اند و...

در این چندروز جوانان فیلم‌ساز با استخوان خرد کرده‌های این حرفه نشست و برخاست داشتند تا بر تجربیات خود بیفزایند و به گفت‌وگو با مهمانان خارجی و مدیران جشنواره‌ها نشستند تا در یادند چگونه می‌توانند مخاطبان خود را به فراسوی مرزها گسترش بدهند، حتی سیاستمداران و مدیران هم به سالن‌های جشنواره‌ی «سینما حقیقت» آمدند و فیلم مستند دیدند و بر اهمیت آن تاکید کردند.

اما آیا این همه برای سینمای مستند و مستندساز کافی است؟ آیا با همه‌ی این تلاش‌ها و جوشش‌ها به اضافه‌ی چند نمایش (کامل یا ناقص) تلویزیونی و چند نمایش خصوصی، حتی اگران در گروه «هنر و تجربه»، سینمای مستند به غایت هدف و رسالت خود می‌رسد؟

تصور نگارنده این است که همه‌ی این اتفاقات جذاب و میمون تنها بخش کوچکی از «آن» است که باید رخ نماید. دیروز محمدتهدی نژاد در همین ستون عنوان کرد که مستندسازی، نوعی روزنامه‌نگاری است. چرا؟ مهم‌ترین عنصر این دو گونه‌ی رسانه‌ای، در شکل عالی‌اش، تلاش برای تاثیرگذاری عمیق و مؤثر است، تلاش برای ایجاد حرکت، تغییر و اصلاح.

حال آیا سینمای مستند ما، فارغ از کیفیت فیلم‌ها، امکان و توان ایجاد چنین تغییری را دارد؟ آیا مردم طاقت رودررویی با ضعف‌های خود را دارند؟ آیا مسوولان می‌توانند با سعه‌ی صدر با کاستی‌ها و نقدها مواجه شوند؟

سینمای مستند برای آن که به وظیفه‌ی خود عمل کند و مؤثر باشد، باید دیده شود، به خوبی هم دیده شود. فیلم مستند باید به شکلی مناسب به مخاطب هدف ارائه شود. مخاطبی که اغلب عموم مردم است و گاه خواص، اهل نظر یا مسوولان رده‌های مختلف. در هر شکل، سینمای مستند برای کمک به رشد جامعه، علاوه بر فیلم خوب، به «دیده شدن» با صبر و تحمل احتیاج دارد. اما تا وقتی که به قول شهرام مکر: «جامعه‌ی ایران در حال حاضر در هر دو بخش ظرفیت لازم را برای شنیدن حقایق ندارد. یعنی نه مردم دوست دارند حقیقت در موردشان گفته شود و نه به نظر می‌رسد که مسوولان نقدپذیر باشند. در چنین شرایطی فیلم‌های مستند نمی‌توانند تصویری واقعی از جامعه و موضوع مورد نظرشان ارائه بدهند.» ما تنها مستندهایی خواهیم داشت که با نگرانی و دغدغه ساخته می‌شوند؛ اما مخاطبی که باید، آن‌ها را نمی‌بیند. مستندها را باید دید. مستند را باید تاب آورد.

## محمد صراف، مدیر وبسایت «فیلم‌نت»: مردم مستند را دوست دارند

محمد صراف مدیر سایت «فیلم‌نت» را بر عهده دارد. امسال «فیلم‌نت» به عنوان اسپانسر جایزه‌ی دوم بخش مسابقه‌ی ملی با جشنواره همکاری



داشت و همین بهانه‌ای شد تا از دلیل این حمایت با او حرف بزنیم و اوضاع عرضه‌ی مستند را در فضای مجازی بررسی کنیم.

### چرا «فیلم‌نت» تصمیم به حمایت از عرصه‌ی مستندسینمای ایران گرفت؟

«فیلم‌نت» پلتفرم سینمای ایران است. محلی است برای عرضه‌ی محصولات سینمای ایران تولید می‌شود. از طرفی دیگر، اولین پلتفرمی است که فیلم مستند و تئاتر را عرضه می‌کند و در اختیار مخاطب می‌گذارد و سعی دارد توجه ویژه‌ای به عرصه‌ی مستند داشته باشد. من خودم چند مستند را تا به حال ساخته‌ام و خیلی از دوستان نزدیکم حالا در جشنواره شرکت کرده‌اند. این فضا را دوست دارم و احترام ویژه‌ای برای آن‌ها قائل هستم. سعی کردیم مشارکتی برای حمایت از آن‌ها در نظر بگیریم. کما این که از چند ماه قبل با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی همکاری داریم و فیلم‌های این مجموعه را روی سایت قرار دادیم که اتفاق خوبی برای ما بود.

با توجه به حضور پررنگی که در عرصه‌ی مجازی دارید، فکر می‌کنید که فرصت تماشای آنلاین فیلم‌های مستند برای علاقه‌مندان فراهم می‌شود؟

«فیلم‌نت» نزدیک به نه ماه است که به مشترکین خدمات می‌دهد. با توجه به این تجربه‌ی نه ماهه می‌توانم بگویم که اگر بستری برای تماشای قانونی فیلم وجود داشته باشد، مخاطب حتماً سراغش می‌رود. فروش خوب محصولاتی مثل «شهرزاد» نشان‌دهنده‌ی این است که کاربر ایرانی مجرای قانونی را پیدا کرده و حاضر به هزینه کردن است. آینده‌ای که از آن حرف می‌زنید نزدیک است و می‌تواند در بهترین شرایط ممکن رخ بدهد.

رشد پتل‌های مجازی مثل «فیلم‌نت» چقدر می‌تواند در گسترش سینمای مستند تأثیرگذار باشد؟

در پتل‌های مجازی ایرانی باکسی برای تولید و نمایش مستندهای استاندارد نداریم. زمانی که با سامانه‌های مانند «فیلم‌نت» روبه‌رو می‌شویم که محصول کارگردان را عرضه می‌کند، راه فیلم‌ساز برای آینده باز خواهد شد. مخاطب به سمت این مستندها می‌رود و کارها دیده می‌شود. البته در کنار تمام این اتفاقات باید حمایت‌های لازم هم صورت بگیرد. مردم فیلم مستند دوست دارند و این نکته را از روی نظرانی که در سایت به ثبت می‌رسانند، متوجه می‌شوم. اما با حمایت‌های لازم، کیفیت مستندها بالا می‌رود و با افزایش کیفیت مخاطب هم راضی خواهد بود و ارتباط خوبی با مستند برقرار می‌کند. این بازار باید توسعه پیدا کند و تبلیغات درست برای آن در نظر گرفته شود. منظور از تبلیغ خوب، بیلبوردهای وسیع نیست.

با یک کمپین درست مستندها به راحتی جای‌شان را بین مردم باز می‌کنند. مادر «فیلم‌نت» بخشی را به نام داغ‌ترین در نظر گرفتیم و زمانی که فیلم مستندی را در این بخش قرار می‌دهیم، استقبال خوبی از آن می‌شود.



▲ تنها میان طالبان، محسن اسلام‌زاده

▶ فصل هرس، لقمان خالدی



◀ جایزه ویژه دبیر جشنواره «فرشاد اکتسابی» کارگردان فیلم «همراه با فرات» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۷ میلیون تومان

◀ بهترین فیلم «مهدی شامحمدی» تهیه‌کننده فیلم «فصل هرس» نشان فیروزه سینماحقیقت، تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۴ میلیون تومان

### مسابقه بین‌الملل

◀ مستند کوتاه و نیمه‌بلند «فرانچسکو دون جیوانی» کارگردان فیلم مستند نیمه‌بلند «جیانو» از ایتالیا؛ به عنوان جایزه ویژه هیات داوران تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۲۰۰۰ دلار

◀ «حمید جعفری» کارگردان فیلم مستند کوتاه «برد» از ایران تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۳۰۰۰ دلار

◀ «مارتین سولا» کارگردان فیلم مستند نیمه‌بلند «خانواده چینی» از آرژانتین تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۴۰۰۰ دلار

◀ مستند بلند «بهر روز نورانی‌بور» کارگردان فیلم مستند بلند «A157» از ایران؛ به عنوان جایزه ویژه هیات داوران تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۲۰۰۰ دلار

◀ «جین مونیگ» کارگردان فیلم مستند بلند «عشق من؛ از آن رودخانه مگدر» از کره جنوبی تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵۰۰۰ دلار

### بحران آب

سازمان محیط‌زیست در آیین اختتامیه‌ی نهمین جشنواره‌ی «سینما حقیقت» به سه فیلم مستند ایرانی با موضوع «بحران آب» جوایزی را اهدا کرد.



◀ مستند بلند «مهرداد اسکویی» کارگردان فیلم «روباهای دم صبح» و «لقمان خالدی» کارگردان فیلم «فصل هرس» به طور مشترک تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲ میلیون تومان به صورت مشترک

◀ «مریم السادات مؤمن‌زاده» کارگردان فیلم «زمستان فصل آخر» دیپلم افتخار و جایزه‌ی نقدی ۵ میلیون تومانی «فیلم‌نت»

◀ پژوهش «مهران پورمندان» پژوهشگر فیلم «یک موسیقیدان فرانسوی در دربار قاجار» و «کمیل سوهانی» پژوهشگر مستند «مادر کشی» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۷ میلیون تومان به صورت مشترک

◀ تصویربرداری «محمد حدادی» تصویربردار فیلم «روباهای دم صبح» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

◀ صداپردازی یا صداگذاری «نوید سالاری مقدم» صداگذار فیلم «پل» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

◀ تدوین «محدثه گلچین عارفی» تدوینگر فیلم «پل» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

◀ نویسنده یا گوینده گفتار متن «مهدی بوسستانی شهر بابکی» نویسنده گفتار متن فیلم «بلا نسبت شما» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

◀ آهنگسازی «افشین عزیزی» آهنگساز فیلم «روباهای دم صبح» تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵ میلیون تومان

◀ جایزه ویژه هیات داوران «هانیه یوسفیان» کارگردان فیلم «پدر» - تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۶ میلیون تومان



## گفت‌وگو با نرگس آبیاری، یکی از اعضای هیأت داوران بخش «مسابقه‌ی ملی» دوره نهم جشنواره «سینما حقیقت»

# جوان‌ها در مستندپیشرفت کرده‌اند

تجربی وارد سینمای داستانی شد؛ یکی از تماشاگران فیلم‌های نمایش داده شده در شب گذشته بود. با آبیاری که یکی از اعضای هیأت داوران این دوره از جشنواره هم بود، گفت و گوی کوتاهی درباره‌ی فیلم‌ها و مسائلی مربوط به داوری جشنواره‌ی نهم «سینما حقیقت» انجام دادیم.

آخرین شب از جشنواره‌ی نهم «سینما حقیقت» در حالی برگزار شد که هنرمندان و منتقدانی از جمله بهزاد فراهانی، حسین یاری، جواد طوسی و ... در میان تماشاگران دیده می‌شدند. نرگس آبیاری کارگردان «اشیا از آنچه می‌بینید، به شما نزدیک‌ترند» و فیلم تحسین‌شده‌ی «شیار ۱۴۳» که از سینمای مستند و

### مستندهای علمی

میان فیلم‌های

دیگر حیف

می‌شوند. کارهای

خیلی خوب و

پژوهش‌های

خوبی در این ژانر

صورت گرفته، اما

این ژانر آن قدر با

مستندهای رایج‌تر

مثل مستندهای

اجتماعی متفاوت

است که دیده

نمی‌شود

### اما روایت چطور؟

روایت هم در همان دیده می‌شود. جایزه گفتار متن داریم که چه‌طور متن نوشته شده و چه کسی، چه‌طور دارد روایتش می‌کند. این‌ها همه نزدیک می‌شود به بحث فیلم‌نامه.

اما فیلم‌هایی هستند که نریشن ندارند. این‌ها روایت‌شان در بخش پژوهش دیده می‌شود؟

بله روایت این‌ها در بخش پژوهش بررسی می‌شود.

دسته‌بندی انجام شده برای داوری خیلی کلی به نظر می‌رسد. تقسیم‌بندی فقط در سه دسته‌ی

کوتاه، نیمه‌بلند و بلند است و مثلاً تاریخی‌ها در

کنار حیات وحش و مستندهای حیات وحش در

کنار مستندهای اجتماعی داوری می‌شوند. به

نظر تان چنین قضاوتی درست است؟

فکر می‌کنم بهتر بود بخش‌ها مقدراری موضوعی شود.

مثلاً می‌توانستیم بخش علمی داشته باشیم. چون

مستندهای علمی میان فیلم‌های دیگر

حیف می‌شوند. کارهای خیلی خوب و

پژوهش‌های خوبی در این ژانر صورت

گرفته، اما این ژانر آن قدر با مستندهای

رایج‌تر مثل مستندهای اجتماعی متفاوت

است که دیده نمی‌شود. به نظرم این

مستندها باید از باقی فیلم‌ها

جدا شوند. چون ممکن

است آثاری خیلی خوب

کار شده باشند، اما

تاثیرگذاری مستند

اجتماعی را نداشته و

دیده نشوند. به نظرم

خوب است هر یک

از گونه‌های مستند

در حوزه‌ی خودشان

بررسی شوند.

برای محقق شدن

این اتفاق چه

کسی باید وارد

عمل شود؟

پیشنهاد من این

است که مسوولان

جشنواره در این باره اقدام

کنند و در دوره‌های بعدی این

تقسیم‌بندی ژانرها و گونه‌های

مختلف را در داوری در نظر

بگیرند تا مستندهایی که

در ژانرهای مختلف ساخته

می‌شوند با تمرکز بیش‌تری

### زهرالوندی

روزنامه‌نگار

به‌طور کلی، درباره‌ی فیلم‌های امسال جشنواره‌ی «سینما حقیقت» چه نظری دارید؟

سینمای امسال خیلی امیدوارکننده بود. یعنی بچه‌ها فیلم‌هایی ساختند که بعضی‌شان میبوهت‌کننده بود و نشان می‌داد جوان‌ها چقدر در حوزه‌ی مستند پیشرفت کرده‌اند و چه آثار خوبی از طرف طیف جوان و همچنین قدیمی‌ترها ساخته شده است.

فکر می‌کنید علت این که تعداد مستندهای اجتماعی در جشنواره‌ی امسال نسبت به دوره‌های قبلی کم‌تر بود، چیست؟

ممکن است تعداد آثار اجتماعی کم‌تر بوده باشد، اما تاثیرگذاری دو چندان نسبت به آثار گذشته داشتند. انگار تعداد آثار درباره‌ی یک موضوع بستگی به موجدی که می‌آید و می‌رود دارد. مثلاً ما امسال چند کار درباره‌ی داعش داشتیم. به نظر من هر آن چه موضوع روز نیست، اولویت دارد و فیلم‌سازهای ما به آن می‌پردازند.

درباره‌ی داوری بگویید. برای تعدادی از تماشاگران و عوامل بعضی از فیلم‌ها، این که نام چند فیلم در بین اسامی نامزدها نیست، باعث ایجاد تعجب شده!

فیلم‌ها در بخش‌های مختلف امتیازدهی می‌شوند و بر اساس امتیازی که در بخش‌های مختلف کسب می‌کنند، بالا می‌آیند. همیشه از این علامت تعجب‌ها وجود دارد. اما باید به گروه داوری و اتفاقی که می‌افتد احترام گذاشت. به عقیده‌ی من گروه داوری (نه خودم. که من از همه بی‌تجربه‌تر بودم) همه آدم‌هایی بسیار با تجربه در حوزه‌ی مستند و کار کشته بودند. کسانی که سال‌ها در این حوزه مو سفید کرده‌اند. مثلاً آقای کلاری، از سینمای داستانی در گروه داوری بودند که خیلی خوب این فضا را می‌شناختند. کلاً گروه داوری جشنواره‌ی امسال گروه خوبی بود و من خودم شخصاً از همراهی با این گروه خیلی استفاده کردم. اگر یک نگاه کلی به فیلم‌ها داشته باشید، چه ضعف یا ایراد مشترکی بین آن‌ها می‌بینید؟

ما بیش‌تر بزن ضربه را در حوزه‌ی تدوین خورده بودیم. فیلم‌ها موجز نبودند. بعضی‌شان خیلی مطول بودند و می‌شد کوتاه‌تر شوند. ممکن بود فیلمی در حد خودش خیلی عالی محسوب شود اما به خاطر این که طولانی بود امتیازاتی از آن کم می‌شد. می‌شود گفت حدود ۹۸ درصد از فیلم‌ها این مشکل را داشتند.

چرا در بخش فیلم‌نامه و روایت، داوری نداریم و داوری فقط در بخش گفتار متن و ... وجود دارد؟

چون در مستند فیلم‌نامه نداریم. گفتار متن و پژوهش داریم.

بله؛ فیلم‌نامه شاید در مستند معنی نداشته باشد.

مرتضی پایه‌شناس، کارگردان آیت‌های مراسم اختتام از تجربه تازه‌اش می‌گوید

## فرصت خوبی برای ابهام‌زدایی از جشنواره



مرتضی پایه‌شناس را بیش‌تر از هر فیلم مستند و کوتاه دیگری با کارگردانی فیلم «فیلمی ناتمام برای دخترم سمیه» می‌شناسیم. مستندی درباره‌ی زندگی خانوادگی مصطفی محمدی (یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدان خلق) و تلاش او برای بیرون آوردن دخترش سمیه از اردوگاه اشرف است. پایه‌شناس که حالا جزو یکی از مستندسازان شناخته شده است، کارگردانی آیت‌های مراسم اختتامیه‌ی جشنواره‌ی «سینما حقیقت» را برعهده داشت.

پایه‌شناس درباره‌ی کارگردانی این آیت‌ها و شباهت‌ها و تفاوت‌هایش با ساخت مستندهای کوتاه می‌گوید: «نکته‌ی کارگردانی این آیت‌ها این است که مخاطب این آیت‌ها خیلی خاص و مشخص برای یک اختتامیه است و در زمان خیلی کوتاهی باید پیام خودتان را به مخاطب بدهید. شبیه چالش‌های ساخت فیلم‌های خیلی کوتاه است. برای ساخت این آیت‌ها دو نکته‌ی کلی وجود داشت. نکته‌ی اول این بود که باتوجه به این که جشنواره‌ی فیلم مستند است، من سعی کردم از آن فضای متداول گرافیکی که معمولاً در آیت‌ها و تیزرهای مراسم‌های اختتام جشنواره‌ها می‌بینیم، دوری کنم و به سبک و سیاق مستند نزدیک شوم. نکته‌ی بعد این که سعی کردم ابهام‌های کمی را که درباره‌ی بعضی فضاها وجود دارد را برطرف کنم. مثلاً همیشه بحث‌هایی درباره‌ی هیأت انتخاب فیلم‌ها وجود دارد. من احساس می‌کنم این بود که به‌عنوان کارگردان این آیت‌ها، نماینده‌ی دوستان مستندسازم هستم و می‌توانم کمی از ابهامات آن‌ها را برطرف کنم. برای همین سعی کردم در آیت‌ها ایده‌هایی وجود داشته باشد که کمی شیوه‌ی انتخاب فیلم‌ها، بحث‌هایی که درباره‌ی فیلم‌ها در جلسه‌های هیأت انتخاب وجود داشت و این که فیلم‌ها چه‌طور توسط هیأت انتخاب دیده و بعد داوری می‌شوند را منتقل کنم. به نظرم این رویکردها به دوستان مستندسازم کمک می‌کند تا کمی فضای بررسی‌ها و انتخاب‌ها برای‌شان روشن شود. چون معمولاً در روش کار هیأت انتخاب و داوران ابهام وجود دارد. یعنی این طور می‌گویند که فیلم‌های مان دیده نمی‌شود و برای انتخاب نهایی بحثی بین داوران برای انتخاب فیلم‌ها در نمی‌گیرد. من سعی کردم در این آیت‌ها کمی فضای پشت‌صحنه‌ی انتخاب‌ها و داوری‌ها را نشان می‌دهم تا دید ما مستندسازها به این فضاها کمی روشن‌تر شود. البته کار ساخت آیت‌ها تا روزهای آخر جشنواره ادامه داشت. برای این که سرعت برگزاری اختتامیه‌ی امسال کمی بیش‌تر شود، سعی کردم آیت‌ها خیلی کوتاه‌تر و خلاصه‌تر باشد. ساختن این آیت‌ها برای من فرصتی خوب است که در کنار دوستان مستندسازم باشم.»



Abolhasan Davoodi (Director)

## More Investment Needed for Documentary Cinema

The status of research while making fiction films can also be highlighted as it is in the documentary cinema; Of course, it has been the case in production of some fiction films. Many fiction films are made on the basis of research or a situation which exists in the society. These researches are based on the things that the screenwriter witnesses and the knowledge that he or she has about a situation. For making all movies, researches are made but its volume is different in comparison to films made about a subject. Therefore, we cannot firmly say research in documentary cinema has a more significant role to play in comparison to fiction films but documentaries are based on social evidences and realities and therefore demand more research.

Public attention to documentary cinema is less than the fiction films due to our social habit of not paying enough attention to research. A documentary film deals with social realities, documents and evidences, and events happening around us and in many cases because of the social tensions there is no tranquility in the documentary to take the spectator in and get him/her to pay attention to the film. Usually certain people of the society, among them intellectuals and academics, pay more attention to documentary cinema. Documentary filmmaking is similar to experimental works that can relate to a limited range of people. Because documentary cinema lacks public attention, the stage is not set for it to be offered properly. Most of the documentaries are shown at private gatherings or "Art and Experience" cinemas that don't include all the spectators. On the other hand, the status of documentary cinema in the general framework of the Iranian cinema is not totally independent, making it not profitable for those involved in the filmmaking industry. Once the ground is prepared for the documentary cinema to enter the supply and demand cycle with all the people enjoying access to documentaries, then the documentary cinema can move toward having a successful report card.



## ابوالحسن داوودی از نقاط ضعف و قوت سینمای مستند می‌گوید ارتباط سینمای مستند با مخاطب بی‌واسطه‌تر است

بلورین جشنواره‌ی فیلم فجر را گرفته است. داوودی به عنوان کسی که با سال‌ها حضورش در سینمای ایران به شرایط و نقاط ضعف و قوت آن آشناسنت معتقد است سینمای مستند می‌تواند زمینه‌های پیش‌تری را در سینمای ایران پوشش دهد اما برای رسیدن به این هدف، سینمای ایران باید بر سرمایه‌گذاری پیش‌تری بر سینمای مستند فکر کند.

ابوالحسن داوودی، فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده‌ای که سابقه‌ی حضورش در سینمای بلند داستانی به بیش از سه دهه می‌رسد و با فعالیت در سینمای مستند وارد سینمای ایران شده؛ بارها برای نویسندگی و کارگردانی فیلم‌هایش نامزد دریافت جایزه از جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر شده و برای فیلم‌هایی مثل «رخ دیوانه» و «زاد بوم» سیمرغ

### نسرین بختیاری

روزنامه‌نگار

سینمای داستانی است، سروکار مستند با واقعیت جامعه، اسناد و مدارک، اتفاقات و حقایق موجود در جامعه است و در بسیاری از مواقع به دلیل التهاب جامعه، آسایشی به آن معنا وجود ندارد که مخاطب بخواهد این اتفاقات را دنبال کند یا توجهی بیش از حد به آن داشته باشد. معمولاً خواص جامعه اعم از روشنفکران و طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی پیش‌تر به سینمای مستند توجه می‌کنند شکل کاری سینمای مستند شبیه به کارهای تجربی است که می‌تواند با طیف محدودی ارتباط برقرار کند. حتی به دلیل شناخته‌نشده‌ی عمومی سینمای مستند، جایگاه‌های خصوصی چندانی برای آن به وجود نیامده است. اغلب فیلم‌های مستند پیش‌تر در محافل خصوصی یا سینماهای «هنر و تجربه» اکران می‌شود که همه‌ی مخاطبان را پوشش نمی‌دهند. از طرف دیگر جایگاه سینمای مستند در کلیت سینمای ایران، کاملاً مستقل نیست بنابراین چندین منافع‌زانیست که سینماگران بخواهند از آن استقبال کنند. اگر شرایطی فراهم شود که بازار سینمای مستند بتواند وارد فرآیند عرضه و تقاضا شود و همه‌ی مردم بتوانند مستندها را ببینند و دست‌یابی و تماشای مستندها محدود به گروه خاصی نباشد، کارنامه‌ی سینمای مستند می‌تواند موفق باشد.

در باره‌ی جایگاه پژوهش در سینمای مستند به عقیده‌ی من سینمای مستند می‌تواند زمینه‌ها و موضوعات پیش‌تری را در سینمای ما پوشش دهد اما به اندازه‌ی توانایی‌اش روی آن سرمایه‌گذاری نمی‌شود شاید به این دلیل که اصولاً در جامعه‌ی ما اخلاق اجتماعی توجهی به پژوهش خوب و برداشت‌های متفاوتی که می‌توان از آن به دست آورد، نمی‌کند. به دلیل این بی‌توجهی، علاقه‌ای هم به سرمایه‌گذاری در این رابطه وجود ندارد و این موضوع متأسفانه در سینمای داستانی و مستند مشترک است. شاید بودجه‌ای که برای فیلم‌نامه‌ی فیلم‌های داستانی و پژوهش در فیلم‌های مستند در نظر می‌گیرند، نسبت به بودجه کل فیلم بسیار نازل است. این ناشی از فرهنگی است که چندان دید علمی را نپذیرفته که هر کاری اعم از مستند و داستانی، اگر بار پژوهشی بیش‌تری داشته باشد، قطعاً در تولید می‌تواند موفق‌تر عمل کند. جایگاه پژوهش در سینمای داستانی هم می‌تواند مثل سینمای مستند پررنگ باشد و البته در برخی از تولیدات سینمای داستانی هم همین‌طور بوده است. بسیاری از فیلم‌های سینمایی داستانی بر اساس تحقیق یا شریاطی ساخته می‌شوند که در جامعه وجود دارد. این تحقیقات بر مبنای مشاهدات فیلم‌نامه‌نویس و آگاهی‌ای است که او از شرایط دارد. تمام فیلم‌ها تحقیقاتی برای ساخت انجام می‌شود اما کم یا زیاد بودن آن به نسبت فیلم‌سازی که به سوژه می‌پردازد، متفاوت است. بنابراین نمی‌توانیم به‌طور قطعی بگوییم، پژوهش در سینمای مستند جایگاه پررنگ‌تری نسبت به سینمای داستانی دارد اما فیلم مستند مبتنی بر مدارک و واقعیت‌های جامعه است و به همین دلیل نیازمند پژوهش بیش‌تری است. به دلیل همان اخلاق اجتماعی ما که توجه چندانی به پژوهش نداریم توجه عمومی جامعه نسبت به سینمای مستند کم‌تر از

اگر شریاطی فراهم شود که بازار سینمای مستند بتواند وارد فرآیند عرضه و تقاضا شود و همه مردم بتوانند مستندها را ببینند و دست‌یابی و تماشای مستندها محدود به گروه خاصی نباشد، کارنامه‌ی سینمای مستند می‌تواند موفق باشد

### در باره‌ی نقاط ضعف و قوت سینمای مستند

مهم‌ترین قوت سینمای مستند از نظر من این است که می‌تواند بیش‌تر و صریح‌تر از سینمای داستانی با مخاطب ارتباط برقرار کند چون واقعیت‌های جامعه را نشان می‌دهد. رابطه‌ی تصویری این سینما در بسیاری مواقع مستقیم‌تر از سینمای داستانی است. در سینمای داستانی به دلیل اقتصادی بودن، گرانی هزینه‌ی تولید و ساختار سرگرم‌کننده، این موارد در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌گیرد و در بسیاری مواقع سینمای حرفه‌ای قربانی اقتصاد سینما می‌شود. در سینمای مستند اما رابطه‌ی تماشاگر و فیلم مستقیم‌تر است و وقتی موضوع و سوژه‌ی فیلم حاد باشد، این تأثیرگذاری روی مخاطب سریع‌تر اتفاق می‌افتد.





برندگان

هر سال تعدادی از ایرانی‌ها با رویای مهاجرت به آمریکا در قرعه‌کشی گرین کارت شرکت می‌کنند. «برندگان» داستان تکاپوی دو شخصیت از دو نسل متفاوت در ایران امروز است که در این لاتاری برنده شده و حالا می‌خواهند برای محقق کردن آرزوهای خود و رسیدن به یک زندگی بهتر، به سرزمین فرصت‌ها مهاجرت کنند.

«برندگان» روایتی است از مهاجران ایرانی که با قرعه‌کشی به آمریکا می‌روند

# مصائب یک بلیت پردردسر

پرداخته است. بخشی از تصاویر این مستند که ساخت آن دو سال طول کشیده، در کشور ارمنستان ضبط شده است. فیلم جدید عبدالهی یکی از پروژه‌های برگزیده هشتمین دوره ی مدرسه ی تابستانی آکادمی ایدفا در آمستردام بوده و فرآیند تدوین این فیلم در جریان همین دوره نهایی شده است. اولین نمایش رسمی فیلم مستند «برندگان» در ایران در بخش مسابقه نهمین جشنواره ی بین المللی «سینما حقیقت» بود.

آیا در اطرافیان شما هم کسی بوده که از راه برنده شدن در لاتاری گرین کارت به آمریکا مهاجرت کند؟ در روزگاری که مهاجرت از پدیده های اجتماعی مهم روز ایران و دیگر نقاط دنیاست، امید عبدالهی در فیلمی به تهیه کنندگی و کارگردانی خودش، به موضوع آن دسته از مهاجران ایرانی می پردازد که از طریق شرکت در لاتاری گرین کارت توانسته اند به نیگه دنیا مهاجرت کنند. «برندگان» یکی از دو فیلمی در این دوره از جشنواره است که به موضوع مهاجرت ایرانی‌ها

تولید، همین مساله ی هزینه های آن بود. به هر حال من سعی کردم با شیوه های مختلفی که در طی این سال ها از ساختن فیلم کوتاه آموختم، مخارج پروژه را مدیریت کنم. به طور مثال در مسیر روایت فیلم، تمهیدی چیدیم که صحنه های حضور یکی از شخصیت های فیلم در ارمنستان را با یک دوربین خانگی ضبط کنیم یا این که در گروه تولید هر نفر تقریبا دو مسوولیت را به عهده داشت. ضمن این که این شانس را هم داشتیم که در ابتدای راه، برای پروژه ی «برندگان» موفق به دریافت جایزه ی حمایتی برتا ایدفا (IDFA Bertha Fund) در بخش گسترش فیلم نامه شدم، که این هم انگیزه ی بسیار خوبی برای ادامه کار بود.

**نگاه فیلم به موضوع مهاجرت چگونه است؟ آیا مخاطب را به سمت قضاوت خاصی سوق می دهد یا قضاوت را بر عهده خودش می گذارد؟**

نه به هیچ وجه به خودم اجازه نمی دهم که برای مخاطب تعیین تکلیف کنم. در این پروژه هم از ابتدای کار مینارا بر این گذاشتم که تصویری منصفانه و انسانی از پدیده ی مهاجرت ارائه بدهم و هرگز حکمی صادر نکنم. به همین دلیل هم بود که تمامی شخصیت های اصلی و فرعی فیلم را از بین افراد عادی جامعه انتخاب کردم که فیلم دچار سؤ تفاهم های احتمالی نشود. اما بدیهی است که مهاجرت در هر شکل و مقیاسی به خودی خود سخت و غم انگیز است و من هم نمی توانستم در فیلم برندگان این موضوع را پنهان کنم.

متفاوت باشد. برای پیدا کردن آن ها هم راه های مختلفی را امتحان کردم. از جست و جوی های مرسوم بین دوستان و آشنایان گرفته تا مراجعه به دفاتر خدمات مهاجرتی و عکاس هایی که عکس مخصوص لاتاری می گیر د.

**فرآیند تحقیق چقدر طول کشید و شامل چه مواردی شد؟**

تحقیق این پروژه در دو مرحله انجام شد. ابتدا در یک مدت شش ماهه تمامی آن چه را باید پیرامون موضوع می دانستم، با کمک روش های متعارف پژوهش، گردآوری کردم. مرحله ی بعد و در واقع مهم ترین بخش پژوهش این فیلم، پس از مشخص شدن شخصیت های اصلی و هم زمان با نگارش فیلم نامه نهایی بود، که با هدف شناخت شخصیت ها و شکل گیری روایت هر یک از آن ها صورت گرفت و حدود یک سال زمان برد. اما واقعیت این است که فرآیند تحقیق در این پروژه فراتر از این مراحل است که ذکر کردم. به این معنی که روند تحقیق از زمانی که ایده ی فیلم به ذهنم رسید تا روزی که نسخه ی نهایی آن آماده شد، یک سره ادامه داشت.

**با توجه به لوکیشن خارج از کشور و طولانی بودن پروسه ی تولید، در فراهم کردن سرمایه به مشکل برخوردید؟**

با عرض معذرت باید بگویم نه! به مشکل تامین سرمایه برخوردیم، چون در طول کار این مشکل خیلی صمیمانه همراه ما نبود! اصلا یکی از دلایل طولانی شدن فرآیند

مهران باقی

روزنامه نگار

**ایده ی اولیه ی ساخت فیلم چطور به ذهن تان رسید؟**

شکل گیری ایده ی اولیه برمی گردد به سال ها پیش که من قصد مهاجرت از ایران را داشتم. در آن زمان برای مهاجرت موانع زیادی سر راهم وجود داشت. بنابراین من هم مثل هر فرد دیگری که در چنین موقعیتی قرار دارد، به دنبال راه های مختلفی برای رفتن می گشتم. تا این که به وسیله ی یکی از دوستانم با موضوع مهاجرت از طریق شرکت در لاتاری گرین کارت آمریکا آشنا شدم. هر چند مدتی بعد از این اتفاق، از مهاجرت کردن منصرف شده بودم، اما مجموعه ی دیده ها و شنیده هایم درباره ی این شیوه از مهاجرت، آن قدر ذهنم را درگیر کرده بود که بالاخره منجر به ساخت مستند «برندگان» شد.

**«برندگان» بخشی از زندگی دو برنده ی لاتاری از دو نسل متفاوت را به نمایش می گذارد، این دو شخصیت را چگونه پیدا کردید؟**

فرآیند یافتن شخصیت ها را پس از طی کردن مراحل اولیه ی پژوهش و طراحی ساختار کلی فیلم، شروع کردم. البته بر اساس معیارهایی که مد نظر بود. مثلا یکی از مهم ترین معیار های اصلی ام این بود که هر یک از شخصیت ها برای مهاجرت شان با چالش هایی روبه رو باشند و با این که یک هدف مشترک دارند، اما نوع مشکلات آن ها



امید عبدالهی

فارغ التحصیل رشته ی سینما است و فعالیت های خود در زمینه ی فیلم سازی را از اواخر دهه ی هفتاد و در انجمن سینمای جوانان ایران آغاز کرده. این فیلم ساز شیرازی از سال ۱۳۸۰ تا کنون پیوسته مشغول فعالیت در حیطه ی فیلم های مستند و کوتاه است و طی این مدت تقریبا سالی یک فیلم ساخته است. عبدالهی تا به امروز در چند جشنواره ی داخلی و خارجی موفق به دریافت جوایزی شده است که بخش عمده ی این جوایز به مستند موفق «شیوه شاغلام» اختصاص داشته است.

پرونده‌ای درباره فیلم‌های حاضر در بخش  
جایزه‌ی شهید آوینی جشنواره  
«سینما حقیقت»

# روایت فتح

امسال از جمع ۲۰۵ مستند ایرانی ارائه شده به دبیرخانه‌ی جشنواره با موضوع جایزه‌ی شهید آوینی، ۸۹ فیلم مستند کوتاه، ۹۰ فیلم مستند نیمه بلند و ۲۶ فیلم مستند بلند بودند. این آمار نسبت به آمار سال گذشته، افزایش صد درصدی تولید آثار مستند با موضوع‌های مقاومت، دفاع مقدس و انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. جایزه‌ی بین‌المللی «شهید آوینی» در واقع ویژه‌ی نمایش و تقدیر از فیلم‌های مستند حوزه‌ی مقاومت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که به عنوان بخش ویژه‌ی جشنواره‌ی «سینما حقیقت» برگزار می‌شود. امسال اولین دوره از این جشنواره بود که جایزه بین‌المللی شده بود و به استقبال نمایش جدیدترین فیلم‌های مستند با موضوع مقاومت در سطح جهانی هم رفت. از بین آن ۲۰۵ فیلم، ۳۱ مستند منتخب در چهار بخش مستندهای کوتاه، نیمه بلند، بلند و خارجی به بخش نهایی راه پیدا کردند. در بین این ۳۱ فیلم، فیلم‌های مستند «۷۴» (سیدستار چمنی گل)، «پل» (امیر حسین نوروزی)، «تنها میان طالبان» (محسن اسلامزاده)، «A157» (بهر روز نورانی پور)، «چشم جنگ» (یوسف حاتمی کیا، مهدی بر جیان)، «زمناکو» (مهدی قربان پور) و «همراه با فرات» (فرشاد اکتسابی)، در بخش مسابقه‌ی ملی جشنواره هم پذیرفته شده بودند. در نهایت هم فیلم‌های «تنها در میان طالبان»، «زمناکو» و «نام و نشان» از مستندهای ایرانی و مستند «وضعیت ذهن» در بخش مستندهای خارجی تندیس شهید آوینی را دریافت کردند. این پرونده‌ی جمع و جور نگاهی است به موضوع و فیلم‌های این جایزه.

محمد حسین مهدویان

کارگردان

مهم‌ترین مساله در موفقیت شهید آوینی و موضوع زنده‌ی آثار او بود. در زمان فیلم‌سازی او، کشور در حال جنگ بود و شهید آوینی تنها کسی بود که خیلی جدی تصمیم گرفت برود در دل جنگ. هر دورهای یک موضوع زنده و در جریان دارد، و بهترین کار ایشان این بود که به این موضوع زنده توجه کرد و دنبال موضوعات جزئی - که چندان با زندگی مردم در



تماس نیست - نرفت. مهم‌ترین کار مستندساز این است که بفهمد درگیری ذهن مردم چیست و راجع به همان دغدغه فیلم بسازد. مثل کاری که فیلم‌ساز «فصل هرس» در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» انجام داده بود. موضوع سرطان موضوع زنده و در جریان جامعه است و شاید یکی از دلایل موفقیت‌های این فیلم، توجه به این موضوع است. مساله‌ی موضوع، مساله‌ی مهمی در سینمای مستند است. شاید بتوان گفت عنصر تمایز سینمای مستند و سینمای داستانی در همین مساله است؛ در موضوعی که یک زمینه‌ی کاملاً واقعی دارد و از زندگی واقعی برمی‌آید.

جنگ البته همیشه موضوعیت دارد. اما در روزگار ما، رویکردمان به جنگ نوع دیگری است. ما اگر الان بخواهیم مانند شهید آوینی فیلم بسازیم، قطعاً فیلم موفق نخواهد شد چون الان مساله و مواجهه‌ی ما با جنگ، باید مواجهه‌ی عبرت‌آموزی و درس گرفتن از تاریخ باشد. همان‌طور که راجع به موضوعات دیگر تاریخ فیلم می‌سازیم تادر مواجهه با موضوعات روز از آن یاد بگیریم، درباره‌ی جنگ هم باید همان‌طور فیلم بسازیم. یعنی در حال حاضر باید رویه‌ی فیلم‌سازی در زمینه‌ی جنگ را تغییر بدهیم.





## گفت و گو با «عبدالحسن برزیده» درباره مستندهای دفاع مقدس و مقاومت

# واقعیت را جسارت نامگذاری نکنید

عبدالحسن برزیده

در پشت صحنه ی فیلم «مزار شریف» که روایتی است بازسازی شده از شهادت دیپلمات های ایرانی در کنسولگری افغانستان در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷

سینمای جنگ و مستندهای مقاومت و دفاع مقدس حرف بزنند. به خاطر همین با او گفت و گو کردیم و از سینمای مستند جنگ پرسیدیم. از جسارت های یک فیلم ساز برای به تصویر کشیدن یک قصه ی واقعی و دنیای امروز سینمای مستند.

عبدالحسن برزیده متولد آبادان است و جنگ را از نزدیک دیده و لمس کرده است. به خاطر همین است که در خیلی از آثاری که تولید کرده است، رد پای جنگ به نوعی در آن ها دیده می شود. او یکی از کارگردان هایی است که به خوبی می تواند از زیر و بم

زمانی که با پدیده ی جنگ، نه فقط در ایران، بلکه در همه ی دنیا روبه رو می شویم، به دلیل منافع ملی ممیزی شدیدی بر مطبوعات حاکم می شود. رسانه ها نمی توانند حرفی را منتشر کنند که روی مقاومت داخلی تاثیر بگذارد. در دفاع مقدس هم این اتفاق افتاد و شاید بتوان این طور گفت که در آن شرایط منطقی و درست بود. در بحبوحه ی جنگ نمی توان تحلیل درستی از شرایط داشت و آن اتفاق را برزگنمایی کرد. اما زمانی که از آن فاصله می گیریم، نویسندگان و سینماگران این حق را دارند که در مورد آن حرف بزنند، فیلم بسازند و داستان بنویسند. در مورد حاشیه و اتفاقات جنگ، حرف بزنند و سختی آن دوران را به تصویر بکشند. جسارت این است که از زاویه های به آدم های جنگ بپردازیم که فرصت صحبت از آن در همان سال ها را نداشتیم، اما امروز واجب است که در موردش فیلم بسازیم. اتفاقی که آن قدر حرف زدن از آن سخت شده است که اسمش را باید بگذارید جسارت. اما به نظر من کار کردن روی این موضوع، اتفاق ساده ای است که در تمام کشورهای رخ می دهد. مثلاً در بعضی از کشورهای اروپا و رمزهای سیاسی و نظامی بعد از گذشت سال ها افشا می شود و در مورد آن فیلم ها و کتاب های زیادی ساخته و نوشته می شود. خودشان با دست خودشان نشان می دهند که در آن

برای مستندسازی هستند. حالا که در مقوله و مدیای سینما از جنگ حرف می زنیم، پرداختن به آدم های برجسته و خاص در این عرصه می تواند برای مخاطب جذابیت های بیش تری داشته باشد. فکر می کنم آدم های جنگ سوژه های بهتری برای پرداخت و ساخت مستندها هستند و قصه هایی که از جنگ در سینمای مستند و داستانی روایت شده است، فقط جزئی از آن ها است.

**فکر می کنید با توجه به اقتضای مخاطب امروز، در سینمای جنگ، وجه اجتماعی پررنگ تر است یا انسانی؟**

وجه اجتماعی و انسانی برای من قابل تفکیک نیست. انسان ها جزئی از اجتماع هستند و هر دو در یک سرفصل قرار می گیرند. این جابجی انتخاب هم به میان می آید. ممکن است یک انسان را در یک موقعیت اجتماعی تحلیل کنید و بخش انسانی قضیه را پررنگ کنید. اگر بخواهید این آدم را در جامعه بررسی کنید، با یک فیلم اجتماعی روبه رو خواهید بود. این دو رابطه ی خیلی نزدیکی با هم دارند و تک تک آدم ها در اجتماع ساخته می شوند. **جسارت فیلم ساز چقدر در میزان تاثیر گذاری یک مستند جنگی نقش اصلی را ایفا کند؟**

### المیرا حصارکی

روزنامه نگار

**امروز در سینمای مستند جنگ چه سوژه هایی جای می گیرد؟**

به نظر من همیشه در پرداختن به سوژه های جنگ، آدم ها مهم هستند. جنگ پدیده ای تحمیلی است. اگر منظور جنگ ایران - عراق باشد، با یک پدیده ی تحمیلی روبه رو هستیم که حادثه ی بزرگی است. آدم ها در این موضوع با پدیده های بزرگ تر از خودشان مواجه می شوند. از تک تک آن ها بزرگ تر است و ممکن است دست به کارهایی بزنند که هر آدم معمولی در طول عمرش با آن روبه رو نخواهد شد؛ رو در رو شدن با دشمن، کشتن آن و کشته شدن، زخمی شدن و تجربه هایی که در شرایط عادی اتفاق نمی افتد. وقتی جنگی شروع می شود، با برای حفظ آب و خاک است یا برای دفاع از ایدئولوژی های فکری شکل می گیرد و زمانی که آغاز می شود، مجبور هستیم با آن روبه رو شویم. رفتارهایی که اگر به خود آدم ها باشد، هیچ وقت از آن ها سر نمی زند. در جنگ شرایطی مهیا می شود که شما وادار به رفتاری خاص می شوید. به عقیده من آدم های جنگ سوژه های فوق العاده ای

در بحبوحه جنگ نمی توان تحلیل درستی از شرایط داشت و آن اتفاق را بزرگنمایی کرد. اما زمانی که از آن فاصله می گیریم، نویسندگان و سینماگران این حق را دارند که درباره آن حرف بزنند، فیلم بسازند و داستان بنویسند





سیدمهدی دزفولی در این مستند قصد بازخوانی فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی را دارد و این که چطور حزبی با این فراگیری بالا شکل گرفت و ۹ سال فعالیت کرد و چگونه متوقف شد. دزفولی کار پژوهش و تولید این مستند را طی ۱۹ ماه، از پاییز سال ۹۲ تا بهار ۹۴ سری کرد که بخش اعظم آن صرف جمع‌آوری اطلاعات و آرشیو مکتوب و صوتی شد.

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

شماره ۸، یکشنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival  
No.8, Sun, 20th, Dec 2015

جایزه شهید آوینی

مردی با جین آبی

نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان: جواد توانا  
خلاصه: این مستند به زندگی، شخصیت، خاطرات و فعالیت‌های ورزشی و غیر ورزشی قبل و بعد از انقلاب محمود خسروری وفا، رئیس فدراسیون ورزشی جانبازان و معلولین می‌پردازد.



روند تولید: تحقیقات این فیلم بهمین و اسفند سال گذشته انجام شده و بعد از آن در سه ماه اول امسال، طی پانزده جلسه، تصویربرداری به پایان رسیده است. پس از آن تدوین را خود توانا و صداگذاری را آرش قاسمی برعهده داشته‌اند. این مستند به سفارش شبکه‌ی مستند و در تهران و اصفهان ضبط شده است. احسان اسکندری و هادی بهروز هم تصویربرداری آن را انجام داده‌اند.

چشم‌های رسواکننده

نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان: حسین مدحت  
خلاصه: مایکل خبرنگار اسپانیایی برای دیدن حمید بهمنی که چشمانش را در جنگ از دست داده، به تهران می‌آید. او قول می‌دهد واسطه بین او و خانواده‌ی خوزه کئوسو (تصویربردار تلویزیون اسپانیا که در عراق با گلوله‌ی سرباز امریکایی کشته شد) شود تا طرح شکایت علیه امریکا را علنی کند. زمانی که مایکل در تهران است، یکی از دانشمندان هسته‌ای ایران ترور می‌شود.



روند تولید: ابتدا قرار بود فیلم درباره‌ی خبرنگار سیما باشد. اما با بسط موضوع، تصویربرداری علاوه بر ایران، عراق و لبنان، به اسپانیا هم کشیده شد. سکانس‌هایی در این کشور تصویربرداری شد و جوین لوپیس جالان هم تدوینش کرد. این فیلم در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ساخته شده است.

آثار فیلم‌سازان جدید سینمای مستند را دنبال می‌کنید؟

حقیقت این است که کمی از این ماجرا دل زده هستیم. کارهای پراکنده‌ای را در همین ژانر برابرم فرستاده‌اند و دیده‌ام. اما خودم دنبال نکرده‌ام. متأسفانه فضای خیلی عجیبی در این قضیه ایجاد شده است. به نظر می‌رسد که اگر فیلمی در این مجرا ساخته شود، برای اکران باید از مجرای سخت عبور کند. به همین خاطر برای تماشای آن انگیزه‌های نداشتم.

امروز با سینماگران و مستندهای خوبی در این عرصه روبه‌رو هستیم، اما با موفقیت مستندهایی هم چون «روایت فتح» و... روبه‌رو نمی‌شویم. صرفاً این استقبال کم به دلیل فاصله‌ی ما با جنگ هشت ساله است یا دلیل دیگری دارد؟

نه نمی‌توان این طور گفت. به نظر من اتفاق درست و منطقی است و شما نگاه منتقدانه‌ای به این قضیه دارید. عقیده دارم طبیعی است، چون نسل امروز با مشکلات امروز خودش روبه‌رو است. فرزند یک شهید، دغدغه‌های متفاوتی از پدرش دارد. خودم هم امروز با فاصله گرفتن از جنگ، آن راهپیمایی‌ها را کمتر در مورد آن حرف می‌زنم. آن زمان خودمان در آن فضا قرار داشتیم و ممکن بود تحلیل درستی از آن نداشته باشیم. نسل امروز هم با فیلم‌سازی در مورد جنگ، اتفاق جدیدی را تجربه می‌کند. هر چند امیدوارم که از آن سوی بوم نیفتیم و تمام دغدغه‌های شخصی در آن قالب یک فیلم مستند یا داستانی قرار نگیرد، قضاوت‌های نادرستی را از آن دوران نداشته باشد. اما اگر فرض را بر این بگیریم که به دور از تمام این بدگمانی‌ها فیلمی تولید شود و حقیقت را بگوید، فیلم متفاوتی شکل خواهد گرفت. فیلمی که محصول تفکر نسل جدید است و این نسل تحت تأثیر ماجراهای جنگ حق دارد تا تحلیل خودش را از این ماجرا داشته باشد و مخاطب امروز هم متفاوت است.

چشم‌انداز سینمای مستند را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟

دوست ندارم ناامید باشم. اما متأسفانه رفتار مسوولین کشور نشان می‌دهد که مستند نمی‌تواند به سرعت جای خوبی برای خودش باز کند. مستندسازان با ساخت کارهای خیلی شاخص می‌توانند راه را برای خودش باز کنند، در شرایط فعلی کار سختی است. اما امیدوارم با ساخت مستندهای خوب و تأثیرگذار، سینمای مستند جایگاه واقعی خودش را پیدا کند. زمانی قبل از انقلاب مستندهای خوبی به نمایش در می‌آمد و یاد می‌آید که فیلم‌های خوبی در سینما آفرینانه نمایش در می‌آمد. فیلم‌هایی که مخاطب خوبی داشت و من در سن نوجوانی آن‌ها را تماشا کردم و تمام جزئیات آن را به خاطر دارم. فیلم‌های مستند می‌تواند رشد کند. اما متأسفانه نه سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم‌های مستند شکل می‌گیرد و نه مخاطبان با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. هر چند که باید اعتراف کرد که در سینمای داستانی هم مشابه این اتفاق در جریان است. مخاطب امروزی بیش‌تر با فیلم‌های سرگرم‌کننده ارتباط برقرار می‌کند و سرانگی از فیلم‌های جدی و درام نمی‌گیرد.

زمان چه اتفاقاتی رخ داده است. مثلاً سازمان سیاب بعد از گذشت مدت زمان زیادی، تمام اتفاقات پشت پرده‌ی کودتای ۲۸ مرداد ایران را افشامی‌کنند؛ این را که چه دخالتی داشتند، انگلیس چه نقشی را بازی کرد و... افشاگری می‌کنند و در این ماجرا منافع خودشان را هم رعایت می‌کنند. تحلیلی از آن اتفاقات دارند و قدرت‌نمایی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که کشور‌های دیگر دست به شایعه‌سازی بزنند. اسناد را تنظیم و بدون هیچ ضرری آن را منتشر می‌کنند. این اسمش جسارت نیست و نمی‌توانیم بگوییم که امریکایی‌ها جسارت کرده‌اند که این رمز و رازها را در قالب یک فیلم مستند به تصویر کشیده‌اند. بیش‌تر شبیه به یک رفتار سیاست‌مدارانه و حساب‌شده است. متأسفانه ما تعریف درستی از این ماجرا در دست نداریم و زمانی که از هر گوشه‌ی جنگ حرف می‌زنیم، فکر می‌کنیم جسارت به خرج داده‌ایم. با توجه به تعاریف امروزی این کار «جسارت» به شمار می‌آید، اما باید بگویم که این حق طبیعی مردم است که بدانند در آن شرایط خاص چه بر سر کشور آمده بود. مردمی که در گذشته داوطلب بودند تا نشنوند و نبینند به نفع منافع ملی، امروز حق دارند بدانند. نمونه‌ی اخیرش، بازگشت پیکر ۱۶۵ غواص به خاک کشورمان بود. آن‌ها بعد از سال‌ها زیر خاک دست‌بسته بیرون کشیده می‌شوند و مردم در مراسم تشییع آن‌ها شرکت می‌کنند. مردم حق دارند بدانند که چرا این اتفاق افتاده است. حق دارند بدانند که آن زمان عملیات لورفت و...

«جنگ» پدیده‌ی تلخی به شمار می‌آید و فیلمساز در ساخت چنین سوژه‌ای با تلخی‌های زیادی روبه‌رو می‌شود. اما بعضاً می‌بینیم که با برچسب‌هایی مانند «سیاه‌نمایی» و «روبه‌رو می‌شود». این اتفاق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

یکی از سوءتفاهم‌های بزرگ از همین جانمایی می‌شود. تعریف ما از جنگ و ضد جنگ، فاصله‌ی زیادی دارد. اگر جنگ پدیده‌ی خوبی باشد، باید به صدام مدال داد، نباید او را اعدام کرد. هم‌زمان باید راه افتادن جنگ جهانی دوم، پدیده‌ها و کشفیات جدیدی به دنیا معرفی شد؛ پس با این حساب باید از هیتلر برای شروع جنگ جهانی دوم هم تقدیر کرد! آیا این اتفاقات باعث می‌شود که به جای تخطئه‌ی جنگ، از آن تحلیل کنیم؟ مادر این تعریف غلط هم چنان در جازده‌ایم و در نقطه‌ی قبلی مانده‌ایم. این تعریف در دوران جنگ قابل فهم است؛ چون در دوران جنگ اسطوره‌های جدیدی به وجود می‌آیند و اتفاقات جدیدی می‌تواند منجر به یک رخداد استثنایی شود. همه‌ی این توجیحات برای دوران جنگ است که می‌توانیم با آن به صورت منطقی کنار بیاییم. اما در این که جنگ پدیده‌ی زشت و کربهای است، هیچ شکی نیست. با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را توجیه کرد. متأسفانه من دیده‌ام که از جنگ به خوبی تعبیر می‌کنند و می‌گویند آدم‌های زیادی در جنگ به رشد و بالندگی رسیدند و اگر جنگ نمی‌شد، شاهد این شکوفایی نبودیم. مواجهه با تلاش عده‌ای برای دفاع از مملکت و ارزش‌های شان درست نیست. جنگ و تبعات آن پدیده‌ی خوب و درستی نیست و تعاریفی که بعضی مواقع اعلام می‌شود، درست نیست.



زمانی که از هر گوشه‌ی جنگ حرف می‌زنیم، فکر می‌کنیم جسارت به خرج داده‌ایم. با توجه به تعاریف امروزی این کار «جسارت» به شمار می‌آید، اما باید بگویم که این حق طبیعی مردم است که بدانند در آن شرایط خاص چه بر سر کشور آمده بود

Abdolhassan Barzideh (Director)

War Documentaries Should Be Made with Boldness

As we getting far from the war, the writers and filmmakers have the right to talk about it, make film and write story about it. They enjoy the right to talk about the occurrences and side events of the war and depict the hardships of that period. The boldness lies in the fact that we look at people of war from a fresh viewpoint that has been missed during all these years but today it is obligatory to make a film about it. It is something that has turned into a kind of taboo that even for talking about it you should have boldness! But in my opinion, working on this subject

is a simple matter that has happened in all countries. For example, in some countries, political and military mysteries are declassified after some years and many books will be written about them and many films will be made about them. People of those countries themselves show what has happened during that specific time. For example, the CIA unveils the behind the curtain events of the 1953 Coup in Iran, showing their role in the incident, the role of Britain and other matters while safeguarding their interests. They have a correct analysis of those events

and therefore they offer the first-hand account and don't let other countries gossip about them. They compile the documents and publish them without any harm. This is not called boldness and we can't say that the Americans have shown boldness in depicting the mysteries within a documentary film framework! This is mostly similar to a diplomatic and calculated move. Unfortunately we don't have a correct definition of the event and whenever we mention something about one aspect of war, we think we have taken a bold stance.



شلمچه

این مستند اطلاعات محرمانه‌ای از چگونگی شهادت غواصان شهید عملیات کربلا ۴ می‌دهد.

مستند بلند

چشم جنگ



«چشم جنگ» عنوان مستند بلندی است که به کارگردانی یوسف حاتمی کیا و مهدی برجیان و تهیه‌کنندگی ابراهیم حاتمی کیا در نهمین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی «سینما حقیقت» به نمایش درآمده است.

این فیلم که مراحل ساخت آن دو سال طول کشیده است، مستندی درباره‌ی «سعید صادقی» عکاس جنگ تحمیلی است که پس از گذشت ۲۵ سال تصمیم می‌گیرد دنبال آدم‌های درون عکس‌هایش بگردد. مهدی برجیان یکی از کارگردان‌های این مستند درباره‌ی موضوع آن می‌گوید: «قرار بود با یوسف حاتمی کیا مستندی درباره‌ی دفاع مقدس بسازیم. اواسط سال ۹۱ که آقای صادقی به دنبال شخصیت‌های عکس‌هایش بود، خط داستانی ما شکل گرفت. او در دوران دفاع مقدس، ۷۰ عملیات را عکاسی کرده است.» دوربین یوسف حاتمی کیا و مهدی برجیان با سعید صادقی بعد از پیدا کردن آدم‌های عکس‌هایش همراه شده و به مناطق مختلف ایران سفر کرده است: «بعد از اطلاع از افراد، بدون هماهنگی با آن‌ها همراه با آقای صادقی سراغ‌شان می‌رفتیم. تقریباً به تمام ایران سفر و لحظه‌های بی‌ظنری را ثبت کردیم.» برجیان با تاکید بر این که مستند «چشم جنگ» روایتی از سعید صادقی است، می‌گوید: «این مستند پرتره‌ای از سعید صادقی است اما از آن دسته پرتره‌هایی که همه توقع دارند، نیست. در این جا ما سعید صادقی را با سوژه‌های عکس‌هایش می‌شناسیم و شخصیت او در میان این عکس‌ها و افراد گمشده و پیدا شدن دوباره‌شان، شکل می‌گیرد. در این مستند به نوعی عکس‌های صادقی را نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم.»

مستند «چشم جنگ» را یوسف حاتمی کیا و مهدی برجیان پژوهش و کارگردانی کرده‌اند. تصویربرداری این فیلم هم برعهده‌ی یوسف حاتمی کیا بوده است. مهرداد جلوخانی پروژه را صداگذاری کرده و کارن همایونفر هم آهنگساز آن بوده است. تدوین فیلم هم توسط یوسف حاتمی کیا و موحد تاروی انجام شده است. این اثر مستند توسط ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان مطرح سینمای ایران تهیه شده است.

یوسف حاتمی کیا، پسر کوچک‌تر ابراهیم حاتمی کیا، متولد سال ۱۳۷۰ و فارغ‌التحصیل رشته سینما در پرونده‌ی فیلم‌سازی او، ساخت آثاری چون بازی با مرگ (۸۴)، آخرین کرنر (۸۵)، پایان بی‌صدا (۸۶) مرغابی‌های وحشی (۹۱) و بازگشت (۹۴) به چشم می‌خورد. مهدی برجیان هم کارشناسی ارشد پژوهش هنر دارد و فیلم‌های کوتاه «گذشته»، «شب هاروست» و مستند «آن دو چشم» را کارگردانی کرده است.

محمدعلی فارسی مستند قدیمی‌اش درباره‌ی عملیات «کربلا ۴» را بازسازی کرده است

شلمچه، ۲۰ سال بعد

۷۴ در موسسه‌ی «روایت فتح» فیلم مستندی با نام «شلمچه» درباره‌ی چگونگی به شهادت رسیدن غواصان ایرانی ساختیم و تحقیق کاملی در این مورد انجام دادیم که همان سال هم پخش شد. اما بنا به فراخور حال آن زمان، برخی از بخش‌های اصلی این فیلم مستند از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش نشد. آن زمان شرایط کاملاً بسته بود و چون رژیم بعث عراق هنوز در آن کشور حاکم بود، نمی‌توانستیم تمام موضوعات را در فیلم بگنجانیم و به صورت کلی، فقط بخش‌هایی از این فیلم امکان نمایش پیدا کرد. اما حالا با عوض شدن شرایط امکان نمایش این بخش‌ها فراهم شده است.» با این کارگردان درباره‌ی انگیزه‌ی باز تولید این فیلم نیمه‌بلند گفت‌وگو کرده‌ایم.

تابستان امسال بود که شهدای غواص عملیات «کربلا ۴» به وطن بازگشتند و ماجرای دستان بسته‌ی آن‌ها و مظلومیت‌شان دل‌های مردم را دردمند کرد. از همان روزها حرف و حدیث‌هایی درباره‌ی چگونگی به شهادت رسیدن آن‌ها شروع شد و عملیات کربلا دوباره مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. در همین راستا «محمدعلی فارسی»، مستندساز با سابقه و از همکاران قدیمی شهید مرتضی آوینی در «روایت فتح»، یک بار دیگر سراغ فیلم مستندی رفت که سال‌ها پیش از این عملیات، با نام «شلمچه» ساخته بود. او با تدوین مجدد این فیلم و آماده کردن یک نسخه‌ی باز تولیدی ۵۰ دقیقه‌ای، سعی کرده اطلاعاتی را درباره‌ی این عملیات و شهدای غواص نشان بدهد. فارسی می‌گوید «سال

زهرا الوندی

روزنامه‌نگار

این نسخه‌ی جدید از مستند «شلمچه»، چه تفاوت‌هایی با نسخه‌ی قبلی دارد؟

تولید این مستند بیست سال پیش، یعنی سال ۷۴ انجام شده است. آن موقع نگاه فیلم این نبود که تاریخ‌نگاری جنگ کند و بیش‌تر نگاهش به ارزش‌ها بود و کاری به تاریخ نداشت. اما با توجه به اتفاقاتی که افتاده، زیر سوال رفتن عملیات کربلا و حرف‌هایی که درباره‌ی آن زده شده، و هم چنین تبلیغات فراوانی که رسانه‌های خارجی علیه آن کرده‌اند، احساس کردیم در این فیلم بازنگری کنیم و این بار از زاویه‌ی تاریخ‌نگاری موضوع را ببینیم و بگوییم دقیقاً چه اتفاقی افتاده است. در واقع نشان می‌دهیم که این طور نیست که عملیات «کربلا ۴» یک عملیات شکست خورده باشد. این عملیات تلفاتی داشته اما شکست خورده نبوده است. «شلمچه» توضیح این ماجراست.

آیا برای رسیدن به این هدف، پژوهش و تحقیق مجددی داشتید؟

نه. تمام مصاحبه‌ها را همان زمان گرفتیم. حتی یک فریم از مصاحبه‌ای مربوط به حالا استفاده نکرده‌ایم. چون

می‌خواستیم درباره‌ی موضوع فیلم شائبه‌ای پیش نیاید. اگر الان مصاحبه می‌گرفتیم، عده‌ای می‌گفتند افتاده‌اند در انفعال و حرف‌های جدید می‌زنند. بنابراین تمام مصاحبه‌ها همان بیست سال پیش انجام شده است. فقط متنی دوباره نوشته و دوباره تدوین شده است.

اگر اطلاعات و مصاحبه‌های فیلم از همان نسخه قدیمی آمده است، چگونه در فیلم تغییر نگاه به وجود آورده‌اید؟ در فرم فیلم هم تغییری ایجاد کرده‌اید؟

خیر. تغییر نگاهی در کار نیست. فقط آن زمان نگاه به ارزش‌های این عملیات بود و این که بچه‌ها چگونه با جان و دل رفتند. با این نگاه، ما تاریخ‌نگاری نداشتیم. اما این بار فقط تاریخ‌نگاری آن مقطع را می‌بینیم.

این تاریخ‌نگاری چگونه شکل گرفته است؟

در نسخه‌ی جدید از مصاحبه‌هایی استفاده کرده‌ایم که آن موقع استفاده نکرده بودیم. به دلیل همان نگاهی که در آن نسخه داشتیم، این مصاحبه‌ها را کنار گذاشته بودیم. آن موقع همه‌ی حرف‌ها را بچه‌هایی که در جبهه بودند و عمل کردند، می‌زدند. در این نسخه‌ی جدید حرف‌ها را فرماندها می‌زنند و از این می‌گویند که چرا این‌گونه عمل کردند. به این ترتیب فیلم به تمام شائبه‌ها و شایعه‌هایی که درباره‌ی عملیات «کربلا ۴» وجود دارد جواب می‌دهد.



محمدعلی فارسی

متولد ۱۳۳۶ و فارغ‌التحصیل فیلم‌نامه‌نویسی است. او از زمان جنگ دوربین به دست گرفت و مستندهای زیادی درباره‌ی جنگ ساخت و با شهید آوینی در تولید مجموعه تلویزیونی «سراب» و در «روایت فتح» همکاری داشت. او پس از شهادت آوینی مسوولیت معاونت تولید موسسه‌ی «روایت فتح» را تا سال ۸۱ عهده‌دار شد. فارسی تا به حال مستندهایی مثل «مهاجران»، «گلستان آتش»، «شلمچه»، «تصویرگران جنگ»، «پایان انتظار»، «قصه‌های جنگ»، «غواصان»، «کیوتران امید»، «حقیقت گمشده»، «فانوس روبه باد»، «ستاخیز»، «خلوت دل»، «معلم» و... را ساخته است.

فیلم «پرند خیال» ساخته‌ی رهبر قنبری، ساعت ۱۶ روز شنبه، روی پرده‌ی سالن سینما فلسطین یک رفت. قبل از نمایش فیلم رهبر قنبری گفت این مستند را برخلاف فیلم‌های قبلی اش که اکثراً به نمایش در نیامده‌اند، با لحن منتقدانه نساخته است: «انتظار نداشته باشید من در این فیلم منتقد باشم. من این فیلم را ساخته‌ام که هر وقت خودم خسته شدم بگذارم ببینمش، لذت ببرم.»



زندگی در خور موسی

«زندگی در خور موسی» روایتی نزدیک از پرندگان دریایی، بومی و مهاجر خلیج فارس در جزیره‌ی خور موسی و چند جزیره‌ی دیگر در جنوب ایران است.

# «زندگی در خور موسی»؛ مستندی درباره‌ی پرندگان مهاجر دغدغه‌ام ثبت زیبایی زندگی پرندگان بود

رشد تدریجی پرندگانی مثل پرستوهای دریایی کاکلی، پشت دودی، سلیم خرچنگ خوار، اگر ت ساحلی (نوعی حواصیل)، کفچه نوک... را هم در «زندگی در خور موسی» به تصویر کشیده است. «زندگی در خور موسی» اولین مستند طاهری با موضوع حیات وحش است و دو مستند قبلی اش را با موضوع عشایر و قوم شناسی ساخته است.

مستند «زندگی در خور موسی» به کارگردانی حجت طاهری نامزد دریافت بیشترین جایزه از نهمین دوره جشنواره‌ی «سینما حقیقت» شد. یک مستند حیات وحش درباره‌ی رفتار و زندگی پرندگان و حیات و زادآوری آن‌ها در فصل بهار و تابستان در سه جزیره‌ی خور موسی و جنوب ماهشهر. طاهری علاوه بر ارائه‌ی تصویری عام از رفتار پرندگان مهاجر به این جزیره‌ها

### نسرین بختیاری

روزنامه‌نگار

### ایده‌ی اولیه‌ی «زندگی در خور موسی» چه طور به ذهن شما رسید؟

من برای صدا و سیما خوزستان فیلم‌های مستندی درباره‌ی تالاب‌های خوزستان می‌ساختم، در طول ساخت این فیلم‌ها به این نتیجه رسیدم خوزستان جای مناسبی برای ساخت مستندهای حیات وحش است چون ظرفیت خوب و سوژه ای بکر دارد که کم‌تر به آن پرداخته شده است. به همین دلیل سعی کردم یک سوژه‌ی ناب در فضای محیط زیست خوزستان پیدا کنم.

### چرا از میان سوژه‌های محیط زیستی، سراغ پرندگان مهاجر رفتید؟

من همیشه دغدغه‌ی محیط زیست داشته‌ام و دارم اما قصدی نداشتم که پیامی خاص در فیلمم بکنم و به مخاطب منتقل کنم. دغدغه‌ی اصلی ام ثبت زیبایی‌های زندگی پرندگان بوده است. فکر می‌کنم هر کس دوست دارد در محیط حیات وحش قرار بگیرد و زادآوری پرندگان و زیبایی‌های دریا را ببیند در این فیلم به آن هادست می‌یابد. در این فیلم تجربه‌های زیادی درباره‌ی رفتار پرندگان و ارتباطشان با دور بین به دست آوردم. با ساخت این فیلم دانشم درباره‌ی پرندگان اضافه شد ولی نمی‌توانم ادعا کنم که نگاهم نسبت به مستندسازی تغییر کرد.

### چقدر زمان برای ساخت «زندگی در خور موسی» صرف کردید؟

سال اول در طول ۵ ماه تصویربرداری کردم و سال دوم یعنی امسال صحنه‌های باقی مانده‌ی فیلم را تکمیل کردم. پژوهش



### حجت طاهری

متولد ۱۳۵۵، شیراز است، او پیش از ساخت مستند «زندگی در خور موسی» مجموعه‌ی مستند «عاشوری‌ها» و مستند بلند «بایاری‌ها» ساخته است. مستندهایی که هر دو در حوزه‌ی قوم شناسی بوده‌اند.

### چه سختی‌هایی در پروسه‌ی تولید پشت سر گذاشتید؟

از ۱۰ نقطه‌ی بد آب و هوای جهان، هفت نقطه‌ی آن در ایران است که یکی از آن‌ها ماهشهر است. رطوبت هوا در ماهشهر بسیار بالاست و به دلیل همین رطوبت بالا بسیاری از دوربین‌های ما می‌سوخت و هوا خیلی گرم بود. شب‌ها مجبور بودیم در قایق بخوابیم و در باتلاقی خورها ماندیم اما بیش از هر چیز گرما و رطوبت هوا ما را اذیت می‌کرد.

### در پروسه‌ی ساخت مستندهای حیات وحش چه مشکلات ویژه‌ای وجود دارد؟

در بخش حیات وحش، مشکلات بیشتر در قالب سرمایه‌گذاری و ابزار و تجهیزات بروز می‌کند. هیچ کس از روی دل نمی‌تواند هزینه‌ی ساخت مستندهای حیات وحش را تقبل نمی‌کند. در مستندهای اجتماعی بیش از هر چیز سوژه غالب است و تعداد زیادی از ما مستندسازها ذوق و زمینه‌ی آن را داریم اما در مستندهای حیات وحش علاوه بر این که سوژه باید جذاب باشد، ابزار و تجهیزات فیلمبرداری پیشرفته‌ای هم احتیاج داریم. هزینه‌های تولید در مستندهای حیات وحش بالاست و به همین دلیل تولید چنین مستندهایی نیازمند حمایت جدی است.

### جشنواره‌ی «سینما حقیقت» سال آینده به دهمین سال برگزاری اش می‌رسد. به نظر شما این جشنواره تا چه اندازه در پیش برد سینمای مستند موثر بوده؟

جشنواره‌ی «سینما حقیقت» مهم‌ترین اتفاق سینمایی مستند ایران است و همه‌ی نگاه‌ها در سینمای مستند روی این جشنواره متمرکز است. یکی از اتفاق‌های خوب در این جشنواره این است که تعداد جوایز را کم کرده‌اند. به هر حال این جشنواره مکانی برای تبادل اطلاعات، تجربیات مستندسازان و دیدن فیلم‌های دیگر دوستان است و وجود این فضا برای اهالی سینمای مستند معتمد است.

ممتدی برای فیلم نداشتم و حدود یک‌سال طول کشید اما از آغاز تا پایان تولید فیلم ۳ سال زمان صرف شد که دوسال آن را مشغول فیلمبرداری شدیم. من به بسیاری از مسائل حین انجام کار و در فیلم‌برداری رسیدم که در هیچ پژوهشی نرسیده بودیم و پیش از این مستند هم به صورت جامع در هیچ پژوهشی وجود نداشت. این کار با ۱۶ دوربین فیلمبرداری شده و هر روز حداقل به اندازه‌ی ۵ روز فیلم‌برداری، تصویر داشتیم. ما این فیلم‌ها را همان روز یا یک روز بعد تدوین می‌کردیم و آن تصویری که برای مان خوب بود و به آن‌ها نیاز داشتیم را انتخاب می‌کردیم. علاوه بر این، یادداشت‌هایی داشتیم که در آن‌ها مشخص بود چه اتفاقی در چه پلانی افتاده است. برای نسخه‌ی ابتدایی فیلم که باید به صداوسیما خوزستان تحویل می‌دادیم، ۳ ماه صرف کردیم و ۳ ماه نیز برای اضافه کردن تصاویر جدید استفاده کردیم. این مدت زمان فقط برای چیدن پلان‌ها کنار هم بود و برای رسیدن به نسخه‌ی نهایی فیلم زمان بیش‌تری صرف شد.

### فکر می‌کنید چرا فیلم شما بیش‌ترین کاندید در یافت جایزه در این دوره از جشنواره‌ی «سینما حقیقت» شده است؟

فکر می‌کنم آن چه مورد توجه قرار گرفته مربوط به تصاویر جزیره‌ی «خور موسی» است که به نظرم قوی‌تر از سایر بخش‌های فیلم است. تصاویر این مستند بسیار به مخاطب نزدیک است و او می‌تواند زندگی پرندگان را با فاصله‌ی کمی و از نزدیک ببیند. معمولاً در مستندهای ایرانی دیگر تصاویر تا این اندازه به سوژه نزدیک نبوده که بتواند لحظات خاصی از زندگی پرندگان را تصویر کند. فکر می‌کنم این موضوع از نظر داوران هم نورمانده است.



گفت‌وگو با «اکبر عالمی» درباره آینده جشنواره «سینما حقیقت» و مستندهای ایرانی

# روزگار پر حرفی در سینما گذشته است

▲ اکبر عالمی  
مستندساز، پژوهشگر و  
استاد دانشگاه

گویندگی در مجموعه‌ی پنج قسمتی «جهان آفریده هنر» است و ده‌ها مستند دیگر که در همان سال‌ها تولید شد. هشتم اسفند ۱۳۹۳ همزمان با برگزاری جشن «تصویر سال» در خانه‌ی هنرمندان، از عالمی به عنوان «معمار کلمه با دانشی چندوجهی» یاد شد و برای یک عمر تلاش در عرصه‌ی سینما و عکاسی از او تجلیل به عمل آمد. او که این روزها در اهواز مشغول به تدریس در دانشگاه است، به بهانه‌ی برگزاری جشنواره‌ی «سینما حقیقت» به تهران آمده است. فرصتی شد تا با او گفت‌وگویی درباره‌ی سینمای مستند و جشنواره‌ی «سینما حقیقت» داشته باشیم.

دوره‌های بعدی مثل آقای تهامی نژاد عالی بودند، اما نسل جدید حیرت‌آور هستند. آن‌ها افتخار آفریده‌اند. دوست دارم بگویم که اگر شما، شبیه به پدر و مادرهای خودتان باشید، جهان رو به جلو حرکت نمی‌کند. بنابراین اگر قرار باشد شاگردان محمدرضا اصلاتی شبیه به او باشند، یا شاگردان آقای طیب و خسرو سینایی شبیه به آن‌ها فیلم بسازند، دنیا رو به جلو نمی‌رود. بدترین شاگرد برای استاد، همان کسی

بود و پهلوان‌های جوان، احترام زیادی برای او قائل بودند. این احترام را همیشه و در هر حالی رعایت می‌کردند و با نهایت عزت و احترام شانه‌ی او را به گوشه‌ی تشک کشتی می‌زدند، با این اوصاف هیچ‌وقت احترامی که نسبت به تختی داشتند، از بین نمی‌رفت. در سینمای مستند هم درست است که پیشگامان رشته‌ی مستندسازی نوین؛ ابراهیم گلستان، خسرو سینایی، منوچهر انور و خیلی دیگر از عزیزان در

اکبر عالمی یکی از پیشکسوتان سینمای مستند است. در اهواز زاده شده اما به عشق سینما به تهران آمده و در دانشگاه هنرهای دراماتیک مشغول به تحصیل در رشته‌ی سینما شده است. او بازی در فیلم «بابا نان داد» به کارگردانی امان منطقی را در کارنامه‌ی بازیگری خود دارد. برای مدتی ریاست لابراتوار وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسوولیت لابراتوارهای سازمان صدا و سیما را نیز بر عهده داشت. اکبر عالمی در دهه‌ی ۷۰ مجری و کارشناس برنامه‌ی «هنر هفتم» بود که به عقیده‌ی بسیاری، اثرگذارترین برنامه‌ی تلویزیون درباره‌ی سینما بوده است. از کارهای ماندگار او

## المیرا حصارکی

روزنامه‌نگار

فیلم‌های مستندسازان جوان را دنبال می‌کنید؟ باید اعتراف کنم کارهای مستندسازان جوانی که به تازگی به این عرصه وارد شده‌اند، عالی است. دوست دارم مثالی را در این زمینه بزنم؛ پهلوان تختی در عرصه‌ی کشتی، اسطوره

نسل جدید  
حیرت‌آور هستند.  
آن‌ها افتخار  
آفریده‌اند. اگر قرار  
باشد شاگردان  
محمدرضا اصلاتی  
شبیه به او باشند، یا  
شاگردان آقای طیب  
و خسرو سینایی  
شبیه به آن‌ها فیلم  
بسازند، دنیا رو به  
جلو نمی‌رود



### مستند «من ناصر حجازی هستم» رفع توقیف شد

باتوجه به رای صادره ی شعبه ی ۱۰ بازرسی ناحیه ی ۲۸ تهران، فیلم مستند «من ناصر حجازی هستم» رفع توقیف شد. در این مستند زندگی ناصر حجازی دروازه بان و مربی سابق فوتبال ایران در پنج فصل با نام های: من رویایی دارم، آخرین مرد مقاوم، سهراب کشتی، استقلال تا استقلال و پرواز عقاب روایت شده است.

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

شماره ۸، یکشنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival  
No.8 - Sun, 20<sup>th</sup> - Dec 2015

## رازهای ماندگاری مستندسازان از زبان اکبر عالمی پژوهش و نگاه مبتکرانه

متاسفانه حتی در دوره ی شکوفایی سینمای مستند، بودجه ی این بخش ناچیز بوده. برخلاف آن چیزی که امروز در قوی ترین نقطه ی جهان در باره ی مستندسازی سراغ داریم، البته سینمای مانیز با وجود این که دستش خالی است، می تواند به جنبه ی خرد و اندیشیدنش ببالد و از آن استفاده های بهینه ای کند.

یادمان باشد که مستند قبل از سینمای داستان پرداز و بلافاصله بعد از پیدایش فیلمبرداری به وجود آمد و تا حدود ۱۳ سال در دنیا حرف اول را می زد و از آن زمان تا به امروز از جایگاه والایی برخوردار است. چرا که ضعیف ترین مستندی که توسط ضعیف ترین کارگردان روی کره ی زمین ساخته می شود، دانسته های ما و شما را به طور قطع بالا می برد. چون یکی از مهم ترین ستون های تولید فیلم مستند، پژوهش است، به ستون خلاقیت تکیه می زند، به این دو مقوله می نازد. پس زمانی که در مورد مستند حرف می زنیم، باید فکر کنیم راجع به کتابی بسیار عجیب، نقاشی بسیار توانا یا شاعر و نویسندگی والا صحبت می کنیم و احترام لازم را باید به آن بگذاریم. جوان های فیلم ساز ما در ابتدا برای پیشرفت باید به دنبال راز ماندگاری هنرمندان برجسته باشند که من به شما می گویم راز ماندگاری آن ها چیست. اول: پژوهش؛ دوم: دانش و خرد و سوم: نگاه مبتکرانه و خلاق مستندساز در شکل گیری مستندش خواهد بود که ما باید این نگاه را در خودمان تقویت کنیم.

روزی دانشجویی سر کلاس از من پرسید چطور می توانم نگاهم را در مستندسازی ارتقا بدهم، به او گفتم با خیره شدن به آثار آدم های برجسته در رشته ی خودت. نیز با سفر کردن، مجالست با اشخاص دانا، هنرمند و خلاق و هم نفس شدن با آن ها، خوب خواندن و خوب شنیدن؛ همه ی این ها به جوهره ی خلاقیتی که لازمه ی حرکت تو در تمام رشته های هنری و سینمایی است، کمک خواهد کرد.

یکی دیگر از مشکلات مهم سینمای مبحث تهیه کننده است که باید در این زمینه نیز تعریف واقعی تهیه کننده مشخص شود و در چندین کتاب تنظیم ارائه کنیم، بعد به دنبال پر تقال فروش باشیم چون منزلت فرد جهان بینی و دانش هیچ کسی در سینما بالاتر از تهیه کننده ی خوب و درجه یک نیست. هیچ کس مانند تهیه کننده ی خردمند نمی تواند فیلمنامه نویسی، کارگردان و دیگر عوامل فیلم را به کار دعوت کند. پس هسته ی مرکزی سینما تهیه کننده است و اوست که با جمع آوری گروهی حرفه ای می تواند اثری ماندگار خلق کند.

همدیگر قرار بدهید تا ببینید که چه نتیجه ای می توانید از آن بگیرید. ضمن این که ایجاز و خلاصه گویی هم امر مهمی است که بسیاری از فیلم سازان به آن توجهی نمی کنند. روزگار پر حرفی در سینما گذشته است و باید هر موضوعی را به شکل خلاصه عنوان کرد.

### سال آینده جشنواره ی «سینما حقیقت» وارد ۱۰ سالگی می شود. این یک دهه برگزاری جشنواره را چطور ارزیابی می کنید؟

دوره ای، رکود بود و دوره ای با ضعف هایی روبه رو شد. در زمانی که محمد آفریده مدیرت داشت، عالی بود و دوره ی جدید با حضور آقای طباطبایی نژاد و علیرضا قاسم خان بسیار امیدوار کننده و دوست داشتنی است.

### چه راهکارهایی برای ایجاد شرایط بهتر در سینمای امروز ایران پیشنهاد می کنید؟

چند باری شنیده ام که جشنواره ی «سینما حقیقت» به عنوان تنها جشنواره ی تخصصی در حوزه ی مستند است. جمله ای که توقعات زیادی را به دنبال خودش می آورد. باید عنوان کنم که کشور های همسایه و خیلی از کشورهای اروپایی فاقد چنین جشنواره های هستند. پیشنهادی که برای بهتر دیده شدن سینمای مستند به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی دارم این است که بیش تر از هر زمانی به جوانان این عرصه بال و پر دهد. خیلی از آن ها با شرایط و بودجه های خیلی کم و محدودی دست به تولید و ساخت مستند می زنند. خیلی از مستندسازان به دنبال راهکاری برای پشتیبانی از سوی مراکز مربوطه هستند. پشتیبانی که می تواند به وسیله ی یک نامه یا چیزهایی شبیه به این حل شود. دوست دارم بگویم که هم آقای علیرضا قاسم خان و هم آقای طباطبایی نژاد از انجام دادن هیچ کمکی دریغ نکردند و در آینده هم هر کاری که از دست آن ها بر بیاید انجام می دهند.

### برای دیده شدن مستندها و برقراری ارتباط با مخاطب چه کاری را می توان انجام داد؟

برگزاری جشنواره «سینما حقیقت» کمک شایان و بزرگی می تواند در این عرصه داشته باشد، ضمن این که شبکه ی مستند چند وقتی می شود که راه اندازی شده است و می تواند کمک بیش تری برای ارتباط هر چه بیشتر مخاطب با عرصه ی مستند داشته باشد. امروز رسانه ها و به خصوص تلویزیون به شکل تحسین کننده و ستایش آمیزی آستین ها را بالا زده است و با نمایش مستندهای جدید، به مستندسازان جوان کمک فراوانی می کند. به بچه های شبکه ی مستند هم گفتم، این اتفاق بسیار خوبی در این عرصه به حساب می آید. مستندسازان برای دیده شدن آثار تولید شده شان فیلم می سازند و زمانی که این فرصت فراهم می شود تا تولیدات آن ها در رسانه های تلویزیون به نمایش در می آید، کمک به سزایی در رشد مستند خواهد داشت. مدیران شبکه ی مستند می توانند کمک و پشتیبانی زیادی از مستندسازان جوان داشته باشند، کما این که تا امروز این کار را انجام داده اند.

است که رو به جلو حرکت نمی کند. این پیشرفتی را که از آن حرف می زنید، وابسته به ابزارهای امروزی می دانید یا پیشرفت روزگار؟ هر دو المان مهم هستند؛ هم ابزارها، هم استعدادها. کودک چهار ساله ی امروزی را در نظر بگیرید؛ او هزار برابر از زمانی که من چهار سال داشتم، دانش و آگاهی اش بیش تر است. این موضوع در مورد جوانان امروز هم صدق می کند. اما جوان های امروزی هم با ضعف هایی روبه رو هستند، جوانانی که برای من مانند دختر و پسر هم هستند و دانشجو یانم صدها برابر از من بالاتر هستند که موضوعی خوشحال کننده است، اما ضعف آن ها در عدم مطالعه ی کتاب است. ضعف کوچکی که ملامت من را به دنبال دارد. آن ها با دستپاچگی و عدم شناخت به پدیده ها نگاه می کنند، چرا که کتاب کم می خوانند. یک جامعه ی استوار نیاز دارد که تمام افراد اجتماع عادت به کتاب خواندن داشته باشند. کسی که کتاب می خواند، ذره ذره به یک آدم ضد ضربه تبدیل می شود. اگر تمام جمعیت امروز ایران تبدیل به افراد ضد ضربه شوند، هیچ کسی نمی تواند آن ها را تحت تاثیر اشتباه خود قرار و شست و شوی مغزی بدهد.

### به تازگی جمله ای بین مستندسازان جوان زیاد شنیده می شود: این که تنها به قصد نمایش در جشنواره های خارجی فیلم مستند تولید می کنند.

### این جمله را چطور ارزیابی می کنید؟

خیلی از آن ها دوست دارند که ره صد ساله را یک شبه بروند. یک ضرب المثل عامیانه تر می گوید که دیر آمدی و زود می خواهی بروی. واقعا آن ها فکر می کنند که در زمانی که ما فیلم مستند می ساختیم، دوست نداشتیم در جوامع بین المللی دیده شویم؟ ما هم دوست داشتیم سریع دستمزد و جایزه ی خودمان را بگیریم. جوانان باید کمی صبور تر باشند، نه این که توقع داشته باشند با ساخت اولین مستند مورد توجه منتقدین داخلی و جوامع بین المللی قرار بگیرند. یعنی به نظر تان پژوهش در ساخت مستند در فیلم های آن ها کمتر دیده می شود؟

هرگز نمی توان دو نفر را پیدا کرد که شبیه به هم فکر کنند. زمانی که دو کارگردان متفاوت تصمیم به ساخت دو فیلم با یک موضوع مشترک می گیرند، با دو فیلم کاملا متفاوت روبه رو هستیم. آن ها می دانند که پژوهش ققدر برای ساخت فیلم مهم است و همین موضوع است که فیلم های آن ها را از یکدیگر متفاوت می کند. ما نمی توانیم هنر را شبیه به الگوریتم یا فرمول های از پیش تعیین شده ی ریاضی بدانیم. باید این طور بگویم که پژوهش در خون فیلم ساز است. در ذات اوست. هر فیلم سازی با ویژگی های منحصر به فردی که در ذاتش دارد، سراغ منابع و جزئیاتی می رود که اصالت و دقت دارد. بعد از آن بحث تلافی اطلاعات به میان می آید که یکی از شرط های مهم در ساخت فیلم مستند است. ممکن است شما به یک موضوعی توجه کنید و بعد از آن فردی دیگر نکته ی دیگری را عنوان کند. شما به عنوان یک فیلم ساز باید تلافی اطلاعات داشته باشید، مسائل را کنار



پیشنهادی که برای بهتر دیده شدن سینمای مستند به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی دارم این است که بیش تر از هر زمانی به جوانان این عرصه بال و پر دهد



## Akbar Alami (Researcher & University Professor) Secrets of Documentary Filmmakers' Eternalness

We should remember that the documentary was created before feature film and immediately after the invention of cinematograph. For nearly 13 years, documentary was the forerunner and since then until today it has kept its dignified status. Because even the weakest documentary made by the weakest filmmaker on earth would surely increase our knowledge. It is because research is one of the pillars for documentary production that also uses creativity and therefore documentary is proud of having these two elements.

So when we talk about the documentary cinema, we should think that we are talking about a mysterious book, a capable painter or lofty poet or writer and pay respect to them. At the beginning of their career, our young filmmakers should look for the secrets behind the eternalness of the prominent artists. Itell you the secrets: First, research; second, knowledge and wisdom and third creative and innovative vision of the documentary filmmaker in formation of the film. We should strengthen such a

vision in ourselves. One day one of my students asked me about the ways for improving one's vision in documentary filmmaking. I told him you can do that by staring at the works of the top names of the field. You should also travel, socialize with wise, artistic and creative people and spend time with them. You should also become a good reader and listener. All these will contribute to your creativity essence that is the essential part for your movement in all the artistic and cinematic fields.



گزارش تصویری از  
رویدادهای جشنواره  
بین‌المللی سینما حقیقت

## روزهای پایانی همچنان پرجمعیت

روزهای پایانی نهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» آن‌چنان پرجمعیت و شلوغ بود که تقریباً کم‌تر سانس‌های نمایش فیلم‌ها صندلی خالی یافت می‌شد. در این مجموعه عکس تلاش شده بخشی از اتفاقات دوروز پایانی جشنواره منعکس شود.

روز ششم و هفتم جشنواره سالن انتظار سینما فلسطین در اغلب اوقات چنین وضعیتی داشت



در رونمایی و نمایش  
فیلم «فصل هرس»، به  
کارگردانی لقمان خالدی  
تعداد زیادی از تماشاگران  
ایستاده فیلم را دیدند



کوروش  
سلیمانی یکی  
از تماشاگران  
روز ششم  
جشنواره



نشست مدیران  
جشنواره‌های  
بین‌المللی فیلم  
مستند توانست  
به برخی  
از سوالات  
در زمینه‌ی  
عرضه‌ی فیلم  
به جشنواره‌های  
بین‌المللی  
پاسخ دهد



کارگاه «نکات  
کلیدی برای تامین  
کمک‌هزینه‌های  
بین‌المللی» توجه  
مخاطبان را به نکات  
کلیدی جذب سرمایه  
جلب کرد





بهزاد فراهانی  
هم جشنواره را  
از دست نداد

جعفر صانعی مقدم،  
هوشنگ گل‌مکانی،  
اردشیر شلیله  
و عباس یاری  
در آخرین  
روز جشنواره  
کنار یکدیگر



فرید فرخنده کیش  
مدیر انجمن  
سینمای جوانان  
ایران در سینما  
فلسطین با مدیران  
مرکز گسترش  
سینمای مستند و  
تجربی دیدار کرد



فرشاد اکتسابی  
هنگام رونمایی  
از فیلم «همراه با  
فرات»



مهمانان خارجی در  
آخرین روز هم فعال و  
کنجکاو بودند تا بیش‌تر  
از سینمای ایران بدانند



نرگس آبیبار که جزو هیات داوران بخش مسابقه ملی جشنواره بود در سینما فلسطین



## مروری بر روزهای شلوغ سینما «فلسطین» و «سپیده» در جشنواره نهم

# روزهای خاطره‌انگیز مستند



شهری با یکی از آخرین فیلم‌های پربیننده‌ی جشنواره‌ی امسال بود. مستندی اجتماعی درباره‌ی دعوای خیابانی شهر تهران که تماشاگران با دیدن تصویرهای آشنای فیلم، آن را با خنده و تشویق همراهی کردند. مستند «چشم جنگ» از بخش جایزه‌ی شهید آوینی به کارگردانی یوسف حاتمی کیا و مهدی برجیان هم از فیلم‌هایی بود که در زمان نمایشش با حضور مهمان‌های ویژه‌ی مثل ابراهیم حاتمی کیا، سالن سینما «فلسطین» را حسابی شلوغ کرد. جشنواره‌ی امسال روزهای شلوغ زیادی را پشت سر گذاشت. شش روزی که مستندسازان و علاقه‌مندان به فیلم‌های مستند به سینما «فلسطین»، و «سپیده» آمدند تا در کنار هم روزهای خوب و خاطره‌انگیزی برای سینمای مستند ایران رقم بزنند.

«مادر کشی» سینما «فلسطین» میزبان میهمانان برجسته‌ی دولتی مثل حسام‌الدین آشنا، محمد نهاوندیان و معصومه ابتکار بود. «معصومه» به کارگردانی سونا مقدم و «A157» به کارگردانی بهروز نورانی پور دو فیلم بسیار تلخ و البته تاثیرگذار شب‌های بعدی بودند. در کنار این دو فیلم، «زمناکو» مهدی قربان پور فیلم امیدبخشی بود که تماشاگران پر تعداد آن بارضایت سالن سینما را ترک کردند. در بین فیلم‌های نیمه بلند هم می‌شود از فیلم «محاكمه» به کارگردانی سیداحسان عمادی نام برد. فیلم در مدت حدود چهل و پنج دقیقه روایتی دست اول و نو درباره‌ی دادگاه مصدق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای تماشاچی‌هایش تعریف کرد و همین نو بودن تصویرها به چشم تماشاگران آمد. «بلانستب شما» به کارگردانی مهدی بوستانی

### من چگونه مستندساز شدم؟

## کاتبان مدرن دنیا!

با بیان فاخر تولید نمی‌کنم. اصولا بیان فاخر را دوست ندارم. احساس می‌کنم بیان فاخر بخشی از مستندسازهای نسل گذشته‌ی ما بیان سنگینی است که برای مردم قابل درک نیست، حتی برای دانشگاهیان و روشنفکران. فکر می‌کنم سینمای مستند موفق، سینمایی است که بتواند بسیار صریح و دقیق و کامل با ابعاد مختلف موضوعش را با مخاطب مطرح کند. مستندسازها نه دوست دولت‌ها هستند، نه دشمن آن‌ها. مستندسازها نقش کاتبان مدرن دنیا را بازی می‌کنند. مستندسازها وقایع پیرامونشان را ثبت می‌کنند. مستندسازها در این کشور قضاوت می‌شوند و این قضاوت شدن باعث این می‌شود که چرخه‌ی سینمای مستند پس از مدتی معیوب شود.

اجتماعی، فرهنگی و تاریخی برایم اولویت داشت و فکر می‌کردم امکانات و ویژگی‌هایی که سینمای مستند به من می‌دهد، این مسیر را برایم هموارتر می‌کند. این طور شد که نخستین فیلم‌هایم را در اوایل دهه‌ی ۸۰ ساختم. خیلی‌ها از من می‌پرسند که چرا مستند را انتخاب کردم. در جواب این سوال باید بگویم احساس می‌کنم سینمای مستند مدیوم به شدت مهم و قدرتمندی برای مطرح کردن بسیاری از موضوعات است. بررسی بسیاری از مسائل در قالب سینمای داستانی و دراماتیک، آن را از اصالت و بکر بودن دور می‌کند. سینمای مستند این امکان را فراهم می‌کند که به بسیاری از موضوعات اجتماعی بپردازیم. تا امروز بیش تر با موضوعات فرهنگی-تاریخی کار کرده‌ام اما این موضوعات را خیلی

در طول شش روزی که جشنواره‌ی «سینما حقیقت» در سینما «فلسطین» و «سپیده» در حال برگزاری بود، سالن‌های این سینماها مدام برای اکران فیلم‌ها پر و خالی می‌شد. بخش فیلم در جشنواره‌ی امسال از ساعت نهم صبح روز یکشنبه بیست‌دوم آذر شروع شد. در این دوره که نهمین سال برگزاری جشنواره‌ی «سینما حقیقت» بود در مجموع ۱۲۴ مستند ایرانی روی پرده سینما «فلسطین» و «سپیده» رفت. در بین این تعداد فیلم می‌شود هشت فیلم را به عنوان پربیننده‌ترین مستندهای جشنواره‌ی امسال نام برد؛ «من ناصر حجازی هستم» به کارگردانی نیما طباطبایی یکی از اولین فیلم‌هایی بود که نمایشش در سینما «فلسطین» تماشاگران زیادی داشت. فیلمی که نمایشش پررونقش در رسانه‌های خبری به طور گسترده‌ای پوشش داده شد. اما در همان شب آتیلا حجازی، پسر مرحوم ناصر حجازی، تلفنی روی خط برنامه‌ی نود آمد و توضیح داد که با شکایت یکی از فوتبالیست‌های قدیمی نمایش فیلم متوقف شده است. این توقیف تا آخرین روز جشنواره ادامه داشت تا بالاخره در روز آخر جشنواره یک سانس در سینما سپیده به نمایش این فیلم اختصاص داده شد تا طرفداران آقای اسطوره از دیدن این مستند زندگی‌نامه‌ی محروم نشوند. شب سوم جشنواره به شدت تحت تاثیر نمایش فیلم «مادر کشی» به کارگردانی کمیل سوهانی بود. فیلمی که به موضوع خشکسالی و بحران آب در ایران پرداخته بود. هر چند فیلم به سفارش دفتر ریاست جمهوری ساخته شده بود، اما کارگردان همه‌ی تلاشش را کرده بود تا اثری از سفارشی بودن در ساخت این فیلم به چشم نیفتد. در سانس نمایش

### هدای آفریده

متولد سال ۱۳۶۳ در تهران. از جمله مستندسازان فعال سینمای ایران است؛ «نارنجی»، «سوت» و «پدر» سه فیلم داستانی و «فرزندان بانچه‌بان»، «بیر درختان کاج»، «مراسم صیگگاهی»، «نقل گرد آفرید» و... از جمله فیلم‌های مستند او هستند.

من از سال ۷۹ فیلم می‌سازم. فیلم‌سازی برای من از ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی شروع شد اما پس از مدتی، احساس شخصی و علاقه‌مندی به تاریخ باعث شد متوجه شوم سینمای مستند مدیوم و فضای مناسب‌تری برای بیان علایق شخصی‌ام است. همیشه مسائل

## حقیقت یاب

### در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟

امین محمدی  
روزنامه‌نگار

از قدیم گفته‌اند بیست گرفتن راحت است، بیست ماندن کار سختی است. (راستش خودمان هم از گفتن و شنیدن این جمله کبیر زدیم!) حکایت برگزیدگان جشنواره‌ی مستند هم همین است. فیلم‌سازان جوان و نیمه‌جوانی که حالا می‌خواهند جدی تر وارد حوزه‌ی سینما شوند و اگر خوب ساپورت نشوند، ممکن است خطا بروند. الان مستندسازان جشنواره، تیم امید سینمای ایران هستند و قرار است در آینده بترکانند تا به عنوان «بک‌آپ» سیستم ویروسی این سینما، به کمک آن بشتابند. با آرزوی موفقیت برای همه‌ی این فیلم‌سازان آینده‌دار، در آخرین قسمت از «حقیقت یاب» می‌خواهیم پیش‌بینی کنیم که با مبلغی که به عنوان جایزه به برگزیدگان اهدا می‌شود، چه کارهایی می‌شود انجام داد. از آن جایی که این مطلب قبل از اعلام نتایج اصلی جشنواره‌ی امسال نوشته شده، ارقام را بر اساس سال پیش حساب کردیم. شما خودتان تورم و مالیات بر ارزش افزوده را به آن‌ها اضافه کنید.

بهترین تصویربردار: جایزه‌ی نقدی ۵ میلیون تومان. تصویربردار برتر جشنواره شانس بسیار محدود کلاری یک کلاسی چیزی بگذارد که با این پول برود در کلاسش شرکت کند تا به وسیله‌ی آن دری به تخته‌ای بخورد و بعد از کلی خاک‌خوری بتواند به این حوزه در سینما ورود پیدا کند. از راه‌های معمول بعید به نظر می‌آید، چنین فردی آینده‌ی روشنی داشته باشد.

بهترین نویسنده‌ی گفتار متن: ۵ میلیون تومان. گویندگی. بهترین شغل برای چنین آدمی می‌تواند گویندگی باشد. چون اصولا سینمایی‌ها که گفتار متن نیاز ندارند و ورود به حوزه‌ی فیلم‌نامه‌نویسی هم کار راحتی نیست. پس پیشنهاد می‌شود برنده‌ی این بخش برود رادیو جوان و متنی را که قرار داده‌اند، بخواند بلکه بتواند از آن جا کارش را ادامه دهد. بهترین کارگردانی مستند کوتاه: ۸ میلیون تومان. فیلم بلند ساختن که منتفی به نظر می‌آید. راهکاری که برای مستندسازان برتر کوتاه‌ساز به نظر می‌رسد این است که از سال بعد بروند به بخش‌های نیمه‌بلند یا بلند تا با تلورانس قیمتی جایزه‌ی این بخش‌ها بتوانند اندوخته‌ای جمع کنند برای ساخت یک فیلم بلند سینمایی.

بهترین کارگردانی مستند بلند: ۱۴ میلیون تومان. پرواضح است که با این ارقام یا حتی بیش تر هم نمی‌شود فیلم بلند ساخت. منابع آگاه اذعان دارند که برای ساخت یک فیلم بلند و پدر و مادر دار رقمی حدود یک میلیارد لازم است. حالا اگر فیلم آپارتمانی باشد و سلبریتی‌اش کم شود، این رقم می‌تواند تا ۵۰۰ میلیون تومان هم کاهش پیدا کند. با فرض این که مستندساز برتر مستند بلند ۴۰ سال بتواند در جشنواره جایزه‌ی اول را بگیرد، آن موقع تازه می‌شود ۴۸۰ میلیون. ۲۰ میلیون هم قرض بگیرد شاید بتواند ۴۰ سال بعد در سینمای مستقل یک فیلم بسازد. یک فرضیه‌ی دیگر هم هست که این ارقام در مقابل زحمتی که مستندسازان کشیده‌اند چیزی نیست و مهم ارزش معنوی آن است که خب همه‌ی دانیم این‌ها مثل نصیحت مادر و پدرها به فرزندان‌شان است که وقتی از چیزی اذیت می‌شدند می‌گفتند «بزرگ می‌شی یاد می‌ره»